

آشنايي با
املايمان
عليه السلام
و حكومت جهاني
آن حضرت

ميرزا باقر حسيني زقره‌اي اصفهاني



آشنایی با

امام عصر (عج) و حکومت

جهانی آن حضرت

مؤلف

میرزا باقر حسینی زفره‌ای اصفهانی

حسینی زفره‌ای اصفهانی، میرزا باقر، ۱۳۲۳ -
آشنایی با امام عصر (عج) و حکومت جهانی آن حضرت / مؤلف میرزا باقر حسینی
زفره‌ای اصفهانی -- قم: گل‌های بهشت، ۱۳۸۴.
۱۴۴ ص.

ISBN 964-8508-26-7 ریال ۹۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت -- انتظار. ۳. آخرالزمان -
- احادیث. ۴. رجعت -- احادیث. ۵. محمد بن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۵ ق. --
شعر. ۶. شعر مذهبی -- قرن ۱۴، الف، عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / ح ۵۴ آ ۵

م ۸۴-۲۶۹۸۲

کتابخانه ملی ایران



انتشارات گل‌های بهشت

آشنایی با امام عصر (عج) و حکومت جهانی آن حضرت

مؤلف: میرزا باقر حسینی زفره‌ای اصفهانی

ناشر: انتشارات گل‌های بهشت

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: مؤسسه چاپ زیتون

نوبت چاپ: اول / پائیز ۱۳۸۴

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بها: ۹۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

ISBN: 964-8508-26-7

شابک: ۷-۲۶-۸۵۰۸-۹۶۴

نشانی: قم صندوق پستی ۳۷۹۵-۳۷۱۸۵

تلفن: ۸۸۱۳۸۸۹ (۰۲۵۱) - همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۳۹۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

خوانندگان عزیز کتابی را که در پیش رو دارید حاکی از آشنایی با امام عصر (عج) و حکومت جهانی آن حضرت می باشد که دارای چهار بخش و هر بخشی دارای چند فصل است که توجه شما را به بخشهای آن جلب می کنیم:

□ بخش اول از ولادت تا امامت

□ بخش دوم دوران غیبت صغری و کبری

□ بخش سوم علائم حتمیه ظهور امام عصر (عج)

□ بخش چهارم رجعت عدهای به دنیا در زمان ظهور آن حضرت (عج)

امید است این مجموعه مورد توجه خوانندگان محترم قرار گرفته و این حقیر و بانیان چاپ آن را از دعای خیر فراموش نکرده و خواندن آن را به دیگران توصیه فرمایند.

والسلام

قم میرزا باقر حسینی زفرهای اصفهانی

به تاریخ بیستم جمادی الثانی ۱۴۲۶ روز ولادت با سعادت صدیقه کبری فاطمه

زهرا علیها السلام برابر با ۱۳۸۴/۵/۵ هجری شمسی

بخش اول

از ولادت تا امامت

شامل

- شناسنامه آن حضرت
- امام زمان (عج) و حکومت جهانی آن حضرت
- امامت حضرت مهدی از نگاه اهل بیت:
- غیبت اختصاص به امام زمان (عج) ندارد
- نام امام زمان (عج) در کتاب‌های ادیان و مذاهب جهان
- نظر دانشمندان درباره حکومت واحد جهانی
- عقیده علمای اهل سنت به وجود مقدس امام زمان (عج)
- پاسخ به سوالات درباره حضرت مهدی (عج)

فصل اول

شناسنامه آن حضرت

نام: همنام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (م ح م د)
لقاب: مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقية الله،
حجت، قائم، صاحب الدار و خلف صالح
کنیه آن حضرت: ابوالقاسم و ابو جعفر.
نام پدر: امام حسن عسگری عليه السلام
نام مادر: نرجس خاتون و بنا بر بعض روایات، ریحانه، ملیکه،
سوسن و سیکل می باشد.
وقت و محل تولد: روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری
قمری، در سامرا متولد شد و حدود پنج سال تحت کفالت پدر،
به طور مخفی بود.

آشنایی با پدر و مادر امام عصر (عج): پدر آن حضرت یعنی
امام عسگری عليه السلام برای همه روشن و واضح است و احتیاج به
توصیف ندارد. لیکن مادر آن حضرت که نرجس خاتون است
از جمله اسرای جنگی از روم شرقی (یعنی حدود ترکیه) بود که
به عراق آورده شد و امام هادی عليه السلام او را خرید و سپس به عقد
فرزندش امام عسگری عليه السلام در آورد که ثمره این وصلت ولادت
باسعادت امام عصر (عج) گردید.

شخصیت ظاهری و معنوی نرجس خاتون: مادر امام زمان (عج) نامش ملیکه بود و از طرف پدر، دختر «یشوعا» فرزند امپراتور روم شرقی بود و از طرف مادر: نوه «شمعون» از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام که وصی او بشمار می رفت بود. او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراتوری زندگی می کرد، اما آن چنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به این خاندان ندارد. از این رو نمی خواست با خاندان امپراتوری دنیا پرست زندگی کند بلکه دوست داشت و هدفش این بود که در یک خانواده پاک خدا پرست زندگی نماید. خداوند هم او را در این هدف مقدس کمک و یاری کرد و او را به طور عجیب به خواسته و هدفش رسانید.

خواستگاری و مجلس عقد اولیه نرجس خاتون علیها السلام: در تاریخ آمده است که نرجس خاتون وقتی به سن ازدواج رسید جدش امپراتور روم، خواست او را به عقد و ازدواج برادر زاده اش در آورد، از این جهت از طرف برادر زاده اش، از ملیکه خواستگاری کرد و سپس مجلس عقد بسیار سنگین و با شکوهی برگزار کرد.

در آن مجلس سیصد نفر از روحانیون برجسته مسیحی و هفتصد نفر از سران کشوری و لشگری و چهار هزار نفر از اشراف و ثروتمندان شرکت داشتند.

مجلس در کاخ با شکوه امپراتوری برگزار شد و تخت بزرگی را که با انواع جواهرات، آراسته شده بود، در جای

مخصوصی گذاشتند.

برادر زاده امپراطور روی آن تخت نشست و تشریفات مراسم عقد برگزار گردید.

روحانیون برجسته مسیحی در کنار تخت با عبا و کلاه و قیافه مخصوص ایستاده مشغول خواندن کتاب مقدس انجیل شدند، که ناگاه زلزله‌ای آمد و کاخ را لرزاند و کسانی که روی تخت نشسته بودند بر زمین افتادند و ترس و لرزه حاضران را فرا گرفت.

یکی از کشیشان بزرگ به حضور امپراطور آمد و گفت: این حادثه عجیب، نشانهٔ بلا و خشم خداوند و علامت پایان یافتن آیین مسیحیت است، ما را مرخص کن تا برویم.

امپراطور هم به گفته این روحانی مسیحی ختم مجلس را اعلام کرد و در نتیجه تمام اهل مجلس جلسه را ترک کردند.

امپراطور پس از این واقعه تصمیم گرفت، نرجس خاتون را به عقد و ازدواج برادر زاده دیگرش درآورد و با خود گفت: شاید حادثه زلزله برای آن بود که نرجس خاتون همسر برادر زاده اولی نگردد. و همسر برادر زاده دومی باشد.

مجدداً دستور داد کاخ را مانند جلسه قبل زینت کرده و خدمتگزاران در جای خود قرار گیرند و روحانیون هم بر انجام مراسم عقد خود را آماده سازند.

همین که مراسم عقد آغاز شد، بار دیگر حادثه زلزله رخ داد و تخت‌ها واژگون و امپراطور و برادر زاده دومی هم از تخت بر

زمین افتادند و همه وحشت زده از کاخ بیرون آمدند و روانه منزل گردیدند.

امپراطور، بار دیگر بسیار ناراحت شده، در غم و اندوه فرو رفت و لحظه‌ای آن حادثه عجیب را فراموش نمی‌کرد.

خواب عجیب نرجس خاتون علیها السلام: گرچه نرجس خاتون با

آن طینت پاکی که داشت، خواستار ازدواج با چنان افرادی نبود، و آرزوی رفتن به خانه‌ای که پر از صفا و معنویت و خدا پرستی باشد می‌کرد، اما این دو حادثه‌ای که رخ داد، او را نیز غرق در فکر کرد و با خود می‌گفت: سرنوشت من چه خواهد شد و سرانجام به کجا خواهم رفت؟ خدایا مرا کمک کن و نجات مرحمت فرما.

او همچنان در فکر و خیال بود تا اینکه شب خوابش برد و در عالم خواب دید، جدش شمعون به همراه حضرت عیسی علیه السلام و عده‌ای از یاران مخصوص آن حضرت وارد کاخ شدند و ناگاه منبری بسیار با شکوه به جای تخت امپراطور گذاشته شد، سپس دید دوازده نفر از افراد خوش سیما و نورانی وارد کاخ شدند و در همان عالم خواب به ملیکه خانم یعنی نرجس خاتون گفته شد، اینها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یازده جانشین او یعنی علی علیه السلام و ده فرزندش تا امام عسگری علیه السلام هستند.

نرجس خاتون علیها السلام دید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: به اینجا آمده‌ایم تا «ملیکه» را از شمعون برای فرزندانم

حسن عسگری علیه السلام خواستگاری کنیم.
حضرت عیسی علیه السلام به شمعون فرمود: به به چه سعادتتی
نصیب تو گردیده اکنون خویشاوندی خود را با خویشاوندی
محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند بده، شمعون نیز از این پیشنهاد بسیار
خوشحال گردید.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به منبر رفت و خطبه عقد را خواند
و نرجس خاتون را به همسری امام حسن عسگری علیه السلام در
آورد، و سپس حضرت عیسی علیه السلام و شمعون و یاران حضرت
عیسی علیه السلام به این عقد گواهی دادند.

پذیرفتن اسلام در خواب: ملیکه (یعنی نرجس خاتون)
می گوید: از خواب بیدار شدم ولی ماجرای خواب را به هیچ
کس حتی به جدم امپراطور روم هم نگفتم، تا مبادا به من آسیب
برسانند ولی شب و روز در فکر این خواب عجیب بودم، و با
خود می گفتم من در اینجا، و امام عسگری علیه السلام در شهری بسیار
دور از اینجا، چگونه این وصلت و رابطه برقرار می گردد، لیکن
محبت امام حسن عسگری علیه السلام سراسر وجودم را فرا گرفته بود و
تنها به او فکر می کردم تا اینکه بیمار و رنجور شدم و تمام
پزشکان روم را برای معالجه و درمانم بر بالینم حاضر کردند اما
معالجه آنها ثمری نداشت، چرا که بیماری من، بیماری جسمی
نبود تا با معالجه آنها خوب شود.

پدرم از بهبودی من نا امید شده بود، روزی به من گفت: آیا
هیچ آرزویی داری تا آن را برآورده سازم؟

گفتم: آری آرزویم این است که به زندانیان مسلمان که در جنگ اسیر و دستگیر شده‌اند سخت نگیرید، و آنها را از شکنجه معاف دارید تا شاید به خاطر این کار خوب، خداوند حال مرا خوب کند و سلامتی‌ام باز گردد، و حضرت عیسی علیه السلام و مادرش حضرت مریم علیها السلام، بر این کار نیک به من لطف و مرحمت نمایند.

پدرم نیز به گفته من ترتیب اثر داد و عده‌ای از زندانیان مسلمان را آزاد کرد و مجازات و شکنجه بعضی‌ها را بخشید، و من نیز از این عمل بسیار مسرور شدم و روز به روز حالم بهتر می‌شد و همین موضوع باعث شد پدرم دستور داد که از زندانیان مسلمان دلجویی بیشتری کنند.

چهارده شب از این ماجرا گذشت، شب چهاردهم در خواب دیدم فاطمه زهرا علیها السلام را که به همراه مریم و بانوی دیگری به نزد من آمدند و حضرت مریم علیها السلام به من فرمود: که این بانو مادر همسر تو است. بی اختیار به یاد همسر امام حسن عسگری علیه السلام افتادم، و قلبم فرو ریخت و به فاطمه زهرا علیها السلام عرضه داشتم من از امام حسن عسگری علیه السلام گله دارم که سری به من نمی‌زند. این را گفتم و گریه امانم نداد و بنا کردم زار زار گریستن.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: تا تو مسیحی هستی، فرزندانم به سراغ تو نمی‌آید، اگر می‌خواهی خدا و حضرت عیسی علیه السلام از تو راضی و خشنود شوند، دین اسلام را اختیار کن تا چشمت به

جمال امام حسن عسگری علیه السلام روشن گردد.
گفتم: مادر جان، با تمام وجود حاضرم که اسلام را بپذیرم
اکنون بفرمایید که باید چه بگویم؟
فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: بگو «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

من نیز شهادتین را بر زبان جاری کردم، آنگاه فاطمه
زهرا علیها السلام مرا به آغوش محبت گرفت و نوازش کرد و فرمود:
خوشحال باش که از این به بعد امام حسن عسگری علیه السلام به دیدن
تو خواهد آمد.

از خواب بیدار شدم و پیوسته در انتظار دیدار امام حسن
عسگری علیه السلام بسر می بردم تا اینکه شب بعد در خواب دیدم که
امام عسگری علیه السلام به دیدار من آمد و من از دیدار او بسیار
خوشحال شدم و زبان به گلایه باز کردم که چرا تا کنون به
دیدار من نیامدی؟

فرمود: علت جدایی این بود که تو در دین اسلام نبودی،
اکنون که اسلام اختیار کردی به دیدار تو خواهم آمد، تا اینکه
این وصلت ما سرانجام گیرد.

از خواب بیدار شدم و از آن به بعد هر شب آن بزرگوار را
در خواب می دیدم و حالم نیز رو به بهبودی بود و به لطف خدا
سلامتی خود را باز یافتم.

جنگ مسلمانان با رومیان: ملیکه همچنان آرزو می کرد که

روزی بیاید و این وصلت سرانجام گیرد و از نزدیک به دیدار امام عسگری علیه السلام نائل گردد.

بین مسلمانان و رومیان، سالها جنگ بود تا جایی که گاهی مسلمین و گاهی رومیان در جنگ بر یکدیگر پیروز می شدند. و هر کدام که بر یکدیگر پیروز می شدند عده‌ای از نیروی مخالف را به عنوان گروگان می گرفتند و مردان را به عنوان غلام و زنان را به عنوان کنیز می فروختند و یا آنها را با اسیران خود عوض می کردند.

در یکی از جنگها که بین اسلام و روم اتفاق افتاده بود مسلمین بر رومیان پیروز گشته و عده‌ای از زنان و مردان آنها را اسیر کرده با خود بردند که از جمله آنها، ملیکه خانم بود و برای اینکه کسی او را نشناسد نام خود را همانم کنیزان یعنی «نرجس» گذاشته بود.

بشر بن سلیمان که از طرف امام هادی علیه السلام مأمور به خریدن کنیز گردیده بود در روز معین به بغداد رفت و صبح زود کنار پل بغداد ایستاد، دید کشتی‌ها رسیدند و کنیزها را در معرض فروش قرار دادند. در این هنگام کنیزی را دید که دارای اوصافی است که امام هادی علیه السلام فرموده بود و خریداران اصرار دارند که او را بخرند ولی او مایل نیست که کنیز آنها بشود.

بشر جلو آمد و با اجازه فروشنده نامه امام هادی علیه السلام را به نرجس خاتون داد، نرجس تا آن نامه را باز کرد و خواند بی اختیار منقلب شد و اشک در چشمانش حلقه زد و در حالی که

گریه شوق گلویش را گرفته بود، به صاحبش عمرو بن یزید گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش و اصرار و تأکید کرد که مرا حتماً به صاحب این نامه بفروش.

عمرو بن یزید گفت: بسیار خوب مانعی ندارد، آنگاه در مورد قیمت او با بشر بن سلیمان صحبت کرد، او به همان مقدار پولی که امام هادی علیه السلام داده بود راضی شد. و پس از خرید به اتفاق نرجس خاتون به سوی امام هادی علیه السلام بازگشت.

در بین راه نرجس خاتون پیوسته نامه امام هادی علیه السلام را مطالعه می کرد و می بوسید و به چشم خود می کشید. بشر می گوید: من از روی تعجب گفتم تو که هنوز صاحب نامه را ندیده ای چرا اینقدر نامه را می بوسی؟

گفت: معرفت و شناخت تو اندک است، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان او را می شناختی چنین نمی گفتمی!!

آنگاه داستان خود را از اول تا به آخر برای من بیان کرد، و من نیز به پاکی و شخصیت معنوی و فکر بلند و عالی حضرت نرجس خاتون پی بردم و از آن پس بیشتر احترامش کردم تا رسیدیم به سامراء و او را به حضور امام هادی علیه السلام بردم.

در این هنگام امام هادی علیه السلام به او خوش آمد گفت: و احوالپرسی کرد. و سپس خواهرش حکیمه خاتون را خبر کرد و به او فرمود: این است آن بانوی محترمه ای که در انتظار او بودی.

حکیمه خاتون هم او را در آغوش گرفت و خوش آمد و

تبریک به او گفت. و امام هادی علیه السلام نیز به او فرمود: عزت اسلام و ذلت نصرانیت را چگونه یافتی؟ نرجس خاتون عرضه داشت: چگونه چیزی را بیان کنم که شما بهتر از من می دانید؟! سپس امام هادی علیه السلام به خواهرش حکیمه خاتون فرمود: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز که در آینده او همسر فرزندان امام حسن عسگری و مادر مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود.

و به نرجس خاتون نیز فرمود: مژده باد تو را به اینکه در آینده دارای فرزندی خواهی شد که حکومتش جهانی و پر از عدل و داد باشد هنگامی که جهان پر از ظلم و جور شده باشد.

چگونگی ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج): حضرت

مهدی (عج) در سحر جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء در عصر خلافت معتمد عباسی دیده به جهان گشود و حکیمه خاتون خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسگری علیه السلام ماجرای ولادت با سعادت امام زمان (عج) را چنین بیان می کند که می گوید:

روز پنج شنبه ۱۴ شعبان به خانه برادر زاده ام امام حسن عسگری علیه السلام رفتم فرمودند: عمه، امشب در همین جا نزد ما بمان، زیرا امشب خداوند به ما فرزندی عطا می کند که سراسر جهان را به علم و ایمان و هدایتش زنده می گرداند.

من آن شب را در محضر برادر زاده ام ماندم تا اینکه هنگام سحر فرا رسید، در این هنگام دیدم حالت اضطراب و پریشانی

در وجود نرجس خاتون پدیدار گشت من او را در بر گرفتم و برادر زاده‌ام امام عسگری علیه السلام فرمود: عمه جان سوره قدر را بخوان، من مشغول خواندن سوره قدر شدم، در این هنگام دیدم که بچه‌ای که در شکم نرجس خاتون بود او هم با من همراهی کرد و مشغول خواندن سوره قدر گردید در این هنگام پرده‌ای بین من و آنها افکنده شد که دیگر نرجس خاتون را ندیدم، سراسیمه از آنجا دور شدم، امام عسگری علیه السلام فرمود: به جای خود برگرد، وقتی برگشتم، نوری را مشاهده کردم که چشمانم را خیره کرد.

در این هنگام دیدم حضرت مهدی (عج) رو به قبله به سجده افتاده بعد سر از سجده برداشته و دست خود را بلند کرده می‌گوید: شهادت می‌دهم به یکتایی خدا و رسالت جدّم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت پدرم امیرالمؤمنین که وصی و جانشین رسول الله بود. سپس امامان را یکی پس از دیگری به امامت و وصی رسول الله نام برد تا به خودش رسید. پس از آن او را به قنடைه‌ای پیچیدم و به حضور پدرش امام حسن علیه السلام بردم و او هم قنடைه نوزاد را گرفته و پس از خواندن آیاتی چند از قرآن و تورات و زبور و انجیل، این آیه از قرآن را تلاوت کرد.

«و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۱)

یعنی ما اراده کرده‌ایم که بر ضعیفان زمین منت گذاریم و

آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. (۱)

عقیقه و اطعام به جهت میلاد حضرت مهدی (عج): در

مورد عقیقه و اطعام در میلاد با سعادت حضرت
مهدی (عج) در روایت آمده است که امام عسگری علیه السلام سیصد
گوسفند عقیقه کرد. (۲)

۱- سیره چهارده معصوم علیهم السلام ص ۹۸۲ به نقل از کشف الغمه جلد ۳ ص ۴۰۵

۲- کمال الدین صدوق جلد ۲ ص ۱۰۶

فصل دوم

امام زمان (عج) و حکومت جهانی آن حضرت در قرآن

۱- منظور از ایمان به غیب اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عج) است: در تفسیر نورالثقلین جلد اول ص ۳۱ به نقل از کتاب کمال الدین و تمام النعمة در تفسیر آیه دوم سوره بقره می فرماید ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
یعنی بدون شک این قرآن هدایت کننده متقین است و متقین کسانی هستند که دارای صفات چندی هستند که یکی از آنها ایمان و اعتقاد به غیب است. امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از ایمان به غیب در این آیه اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عج) است که او و قیامش بر حق است.

۲- مؤمن باید با امام زمان خود در ارتباط باشد: در تفسیر نورالثقلین جلد ۱ ص ۴۲۷ به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران که می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا...» یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر و استقامت و ارتباط داشته باشید. از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه روایت شده که فرمود: منظور از اصبروا یعنی صابر و مقاوم باشید در انجام واجبات و مراد از صابروا یعنی صابر و شکیباً باشید در مصائب و منظور از رابطوا

یعنی با امامان معصوم علیهم‌السلام خود در ارتباط باشید (که آخرین آنها امام عصر (عج) است و ارتباط با او کارساز است).

۳- سرانجام ائمه طاهرين پيشوایان مردم در سراسر جهان خواهند بود: در تفسیر نور الثقلین جلد ۴ ص ۱۱۰ به نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی (ره) در تفسیر آیه ۵ سوره قصص که می‌فرماید: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یعنی ما اراده کرده‌ایم که بر طایفه ضعیف جامعه در روی زمین منت گذاریم و آنها را پیشوایان خلق و وارث ملک و جاه قرار دهیم، از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده که فرمود: مراد از مستضعفین در این آیه آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند که خداوند مهدی آنها را (برای گسترش حکومت جهانی) مبعوث می‌کند و بعد از تلاش و کوشش، آل محمد به دست او عزیز و دشمنان ذلیل خواهند شد.

۴- دین اسلام بر سایر ادیان غالب خواهد شد: حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودّة ص ۵۰۸ در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» یعنی آن خدایی که رسول خود محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با دین حق برای هدایت مردم فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری یابد هر چند کفار و مشرکین ناراضی و مخالف باشند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: به خدا قسم این آیه تحقق نپذیرفته و تا ظهور حضرت مهدی (عج) تحقق نخواهد پذیرفت مگر بعد از خروج آن حضرت که هرگاه آن حضرت خروج نماید کفار و مشرکین مخالف و معاند را می‌کشد و احدی از آنها را باقی نخواهد گذاشت و چنانچه کافری در دل سنگی خود را پنهان کرده باشد آن سنگ (به اعجاز الهی به سخن آمده) گوید: ای مؤمن مرا بشکن و این کافر را بکش.

۵- وجود امام معصوم در دنیا به منزله آب زندگانی است: در تفسیر نور الثقلین جلد ۵ ص ۳۸۷ به نقل از کتاب کمال الدین و تمام النعمه در تفسیر آخرین آیه سوره ملک که می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» یعنی ای پیامبر به کافران بگو: که اگر آب که مایه حیات و زندگانی شما است صبحگاهان به زمین فرو رود (جز خدا) چه کسی می‌تواند برای شما آب پدید آورد. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: این آیه درباره حضرت مهدی (عج) نازل شده یعنی اگر امام شما از شما پنهان شود و ندانید که او در کجاست پس چه کسی می‌تواند برای شما امام ظاهر باشد و شما را از اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام آگاه سازد؟ سپس فرمود: به خدا قسم حقیقت و معنای واقعی این آیه هنوز تحقق نیافته و سرانجام تحقق خواهد یافت (یعنی با ظهور امام عصر (عج) حقیقت این آیه روشن خواهد شد).

۶- حکومت جهانی فقط در زمان حضرت مهدی (عج) ممکن است: حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودّة ص ۵۱۰ در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» یعنی ما مقرر داشتیم در کتاب زبور داوود و کتابهای پیامبران پیشین بر اینکه حکومت زمین از آن بندگان شایسته من می باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: مراد از بندگان شایسته در این آیه، حضرت مهدی (عج) و یاران او هستند (که مالک و متصرف کره زمین خواهند شد).

۷- روز ظهور حضرت مهدی (عج) از ایام الله است: حافظ قندوزی در کتاب ینابیع المودّة ص ۵۰۹ در تفسیر آیه ۵ سوره ابراهیم که می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» یعنی ما موسی را با آیات خود (یعنی تورات و معجزات) به سوی فرعونیان فرستادیم و گفتیم که قومت را از تاریکیهای جهل و گمراهی به سوی نور و هدایت راهنمایی کن و آنها را در جریان ایام الله یعنی روزهای خداوند قرار ده که در این ایام الله آیاتی نهفته است برای کسانی که صبور و مقاوم و قدر شناسند.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمودند: منظور از ایام الله در این آیه شریفه سه روز است: اول، روز ظهور حضرت مهدی (عج) دوم، روز رجعت و بازگشت

پیامبر ﷺ و ائمه طاهرین علیهم السلام به دنیا و سوّم روز قیامت کبری است.

۸- حضرت مهدی (عج) احیاگر کره زمین خواهد بود: حافظ قندوزی حنفی در کتاب ینابیع المودّة ص ۵۱۴ در تفسیر آیه ۱۷ سوره حدید می فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» یعنی بدانید به درستی که خداوند زمین را زنده خواهد کرد بعد از آنکه مرده باشد. از امام باقر علیّه روایت شده که فرمود: خداوند زمین را به وسیله امام عصر (عج) از طریق عدل و عدالت زنده می کند، بعد از آنکه به وسیله ظلم و جنایت مرده باشد.

۹- در حکومت حضرت مهدی (عج) حق زنده و باطل از بین خواهد رفت: در تفسیر نور الثقلین جلد ۳ ص ۵۰۶ به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ۴۱ سوره حج که می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» یعنی (آنان که خدا را یاری می کنند) کسانی هستند که اگر آنها را در روی زمین متمکن و مقتدر سازیم نماز را پیا می دارند و زکات را به مستحقش می رسانند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند (و از هیچکس جز خدا نمی ترسند چون می دانند که) عاقبت کارها دست خدا است.

از امام باقر علیّه روایت شده که فرمود: این آیه در شأن آل

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مهدی (عج) و اصحاب او می باشد که خداوند آنها را بر شرق و غرب عالم مسلط خواهد کرد و به وسیله آنها دین احیاء و باطل و اهلش از بین خواهد رفت همانگونه که اهل باطل دین را از بین برده اند و کار به جایی می رسد که اثری از ظلم باقی نخواهد ماند و امر به معروف و نهی از منکر رواج خواهد یافت.

۱۰- در حکومت حضرت مهدی (عج) فتنه و فساد از بین خواهد رفت: در کتاب ینابیع المودّة حافظ قندوزی حنفی ص ۵۰۷ در تفسیر آیه ۳۹ سوره انفال که می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ...» یعنی ای مؤمنان با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فسادی نماند و دین و آئین همه از آن خدا باشد.

از محمد بن مسلم روایت شده که می گوید: به امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام عرضه داشتم تأویل و تفسیر این آیه چگونه است؟ امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: تأویل و تفسیر این آیه هنوز تحقق پیدا نکرده و هرگاه تحقق پیدا کند مشرکین کشته می شوند تا وقتی که خدا پرست شوند و دیگر شرکی باقی نماند و این حقیقت جز در حکومت و قیام حضرت مهدی (عج) میسر نخواهد شد. (۱)

۱- اقتباس از کتاب المهدی فی القرآن، آیت الله سید صادق شیرازی

فصل سوم

امامت حضرت مهدی (عج) از نگاه اهل بیت علیهم السلام

۱- امامت حضرت مهدی (عج) از نگاه علی علیه السلام: علامه مجلسی در کتاب بحار از اصبع بن نباته روایت کرده که گفت: وارد شدم بر علی علیه السلام در حالی که غمناک بود و چوبی در دست داشت و آهسته آهسته بر زمین می کوبید.

عرضه داشتم یا امیر المؤمنین به زمین میل پیدا کرده‌اید؟ فرمود: هرگز به زمین دنیا رغبت نکرده‌ام لکن در فکر این هستم که مولودی که یازدهمین نفر از اولاد من می‌باشد و نامش مهدی است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد. و از برای او غیبتی باشد که بعضی از مردم گمراه شوند... الخبر

۲- امام عصر (عج) به روایت امام حسن مجتبی علیه السلام: شیخ صدوق در اکمال الدین خود از ابو عقیصا روایت کرده که می‌گوید: پس از آنکه امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد بعضی از مردم به خدمت آن حضرت رفته و او را به جهت صلح با معاویه ملامت می‌کردند.

حضرت خطاب به ایشان فرمود: وای بر شما آیا نمی‌دانید آنچه من انجام دادم (یعنی صلح با معاویه) برای شیعیان من بهتر است از آنچه آفتاب بر آنها طلوع و غروب می‌کند؟

آیا نمی دانند من امام واجب الاطاعة هستم و به فرموده رسول خدا ﷺ یکی از دو سید جوانان اهل بهشتم؟ عرض کردند: بلی می دانیم؟

فرمود: آیا نمی دانید که خضر کشتی را شکست، بچه را کشت و دیوار را به پا کرد و حضرت موسی عليه السلام چون از حکمت کار با اطلاع نبود خشمگین شد در حالی که در نزد خداوند حکمت و مصلحتی در کار بود؟

آیا نمی دانید که از ما اهل بیت کسی نیست که در گردن او بیعت حکومت زمان او برگردنش نباشد مگر حضرت مهدی (عج) که حضرت عیسی عليه السلام پشت سر او نماز می خواند و خداوند متعال ولادت او را مخفی و وجودش را از انظار مردم پنهان می دارد تا اینکه احدی را برگردن او بیعتی نباشد؟

پس چون امام نهم از اولاد برادر امام حسین عليه السلام متولد شود، خداوند غیبت او را طولانی گرداند، سپس به قدرت کامله خود او را در سن و سال جوانی کمتر از چهل سال ظاهر سازد، آنگاه معلوم شود که خدای تعالی بر همه چیز قادر و توانا است.

۳- امام زمان (عج) از نگاه امام حسین عليه السلام: مرحوم صدوق به سند خود از همدانی روایت کرده که گفت: از امام حسین عليه السلام شنیدم که فرمود: مهدی این امت امام نهم از اولاد من است و او کسی است که صاحب غیبت است و میراث او را در حال حیات قسمت می کنند.

۴- امام زمان (عج) به روایت امام زین العابدین علیه السلام: مرحوم صدوق از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود: منظور از کلمه باقیه که در آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» آمده امامت است که خداوند آن را تا روز قیامت در نسل امام حسین علیه السلام قرار داده و مهدی ما را دو غیبت باشد، یکی از دیگری طولانی تر است.

غیبت اولش شش سال و شش ماه و شش روز باشد و غیبت دوم بقدری طولانی می شود که اکثر مردم از اعتقادی که به آن حضرت دارند بر می گردند و در آن ثابت نمی مانند مگر کسی که یقینش قوی باشد.

۵- امام زمان (عج) از نگاه امام باقر علیه السلام: مرحوم مجلسی در بحار از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که می گوید: روزی در خدمت امام باقر علیه السلام بودم فرمود: ای اباحمزه از چیزهای حتمی و مسلم، قیام مهدی ما است که هر کس در آن شک کند با کفر و ارتداد خدا را ملاقات می کند.

بعد فرمود: پدر و مادرم به فدای کسی باد که نامش نام من است و کنیه اش کنیه من است و او امام هفتمین است بعد از من، به حق پدرم سوگند که او زمین را پر از عدل و داد می کند هنگامی که پر از ظلم و جور شده باشد.

۶- امام زمان (عج) به روایت امام صادق علیه السلام: مرحوم صدوق در کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که

فرمود: هر کس بمیرد در حالی که پیوسته در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) بوده باشد. در اجر و ثواب مانند کسی است که در رکاب حضرت مهدی (عج) و خیمه او بسر می برد، بلکه بالاتر، مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جهاد کرده باشد.

و در حدیث دیگری فرمود: هرگاه سه نام از امامان معصوم به این ترتیب محمد و علی و حسن را مشاهده کردید، چهارمین آنها مهدی موعود می باشد.

۷- امام زمان (عج) از نگاه امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام: مرحوم صدوق در کتاب اکمال به سند خود از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده که می گوید: به موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام عرضه داشتم یا بن رسول الله آیا قائم بر حق شماست؟

فرمود: من قائم بر حق هستم ولیکن قائمی که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد آن امام پنجم از اولادان من است که او را غیبتی طولانی باشد و عده ای به سبب این غیبت طولانی از دین خارج می شوند و برخی ثابت می مانند.

بعد فرمود: خوشا به حال شیعیانی که در زمان غیبت او به محبت ما چنگ زده و در دوستی ما و دشمنی دشمنان ما ثابت قدم می مانند. ایشان از ما و ما از ایشان هستیم و نیز آنها به امامت ما راضی و ما به شیعه بودن ایشان مسروریم و به خدا قسم که ایشان در روز قیامت در درجه ما هستند.

۸- امام زمان (عج) از نگاه امام هشتم علیه السلام: مرحوم صدوق رحمته الله در کتاب عیون به اسناد خود از ابن محبوب روایت کرده که گفت: امام هشتم علیه السلام به من فرمود: یکی از حتمیات فتنه شدیدی است که تمام مردم به آن مبتلا می شوند یعنی غیبت قائم ما که چهارمین نفر از اولاد من باشد و پدر و مادرم به فدای او که هم نام و شبیه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که بر مؤمنین رحمت و بر کافران عذاب و نقتت خواهد بود.

۹- امام زمان (عج) به روایت امام جواد علیه السلام: مرحوم صدوق به اسناد خود از عبدالظیم حسنی روایت کرده که می گوید: بر آقای خود امام جواد علیه السلام وارد شدم و خواستم بپرسم که آیا قائم همان مهدی است یا غیر او؟ ناگاه آن حضرت بر من سبقت گرفت و فرمود: ای ابوالقاسم به درستی که قائم همان مهدی (عج) است که واجب است در زمان غیبتش انتظار او را کشیدن و در زمان ظهورش اطاعت او را کردن و او امام سؤم از اولاد من است. قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیغمبری فرستاد و ما را به امامت منصوب کرد اگر از دنیا نماند مگر یک روز آن روز را طولانی خواهد کرد تا اینکه آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد.

۱۰- امام زمان (عج) از نگاه امام هادی علیه السلام: مرحوم صدوق در کتاب عیون و اکمال از ابی هاشم جعفری روایت کرده که

می گوید: امام هادی علیه السلام فرمود: خلیفه بعد از من پسر من حسن است ولی چه خواهید کرد با خلف بعد از خلف؟ عرض کردم فدایت شوم از چه جهت؟ فرمود: از این جهت که شخص او را نمی بینید و ذکر نامش بر شما حلال نباشد.

عرض کردم پس او را به چه نامی بخوانیم؟ فرمود: بگویند حجة آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

چرا به امام عصر (عج) قائم گفته می شود؟ مرحوم مجلسی در جلد ۵۱ بحار ص ۲۸ از ثمالی روایت کرده که می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم یابن رسول الله آیا همه شما قائم به حق نیستید؟ فرمود: چرا همه ما قائم به حق هستیم.

پرسید پس چرا به حضرت مهدی قائم گفته می شود (و هیچ یک از شما به این لقب خوانده نمی شوید؟) فرمود: هنگامی که جدم حسین علیه السلام به شهادت رسید ملائکه ها در مصیبت جدم به گریه و زاری پرداختند و خطاب به پروردگار عالم گفتند: بار الها، پروردگارا آیا از قاتل برگزیده خود و فرزند برگزیده ات حسین علیه السلام صرف نظر می کنی و او را مجازات نمی کنی؟

از طرف پروردگار عالم خطاب رسید ای ملائکه های من آرام باشید و بی تابی نکنید، به عزت و جلالم قسم از قاتلین او انتقام خواهم گرفت ولو بعد از سالیان دراز باشد. در این هنگام پرده حجاب برداشته شد و فرشتگان امامان بعد از حسین علیه السلام را دیدار کردند و فرشتگان با دیدن ائمه طاهرین خوشحال شدند و میان ائمه دیدند یکی از آنها ایستاده، خداوند خطاب به

فرشتگان فرمود: به وسیله آن کسی که قائم است (یعنی به نماز ایستاده) از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام خواهم گرفت (از این جهت که حضرت مهدی (عج) به نماز ایستاده بود و خداوند او را قائم خطاب کرد، این لقب به او اختصاص یافته است).

گفتن نام امام زمان (عج) کفر است: ابن رثاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: صاحب الامر را به اسم صدا کردن کفر است و کسی که اسم او را بیان کند کافر است.

۱۱- امام زمان (عج) از نگاه امام عسگری علیه السلام: مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب اکمال الدین به سند خود از موسی بن جعفر بغدادی و او از امام عسگری علیه السلام روایت کرده که فرمود: گویا می بینم شما را که اختلاف کنید بعد از من درباره فرزندم حضرت مهدی (عج) آگاه باشید به درستی که اگر کسی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به همه امامان اقرار کند ولی پسر مهدی را قبول نداشته باشد مانند کسی است که همه پیامبران را قبول داشته ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را منکر باشد و منکر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مانند کسی است که همه پیامبران را انکار نماید، زیرا اطاعت اولین ما مانند اطاعت آخرین ما است و منکر آخرین ما مانند منکر اولین ما است.

به درستی که پسر من حضرت مهدی را غیبتی است طولانی که مردم در خصوص او دچار شک و تردید می شوند مگر کسی که خدا او را از این مهلکه ننگه دارد. (۱)

فصل چهارم

غیبت اختصاص به امام زمان (عج) ندارد بلکه انبیاء گذشته هم غیبت داشته اند

۱- غیبت ابراهیم پیغمبر علیه السلام از امت خود: حضرت ابراهیم علیه السلام از ترس نمرود به غار کوهی پناه برد تا آنکه مأمور به ظهور گشت و کرد آنچه را که باید می کرد.

۲- غیبت صالح پیغمبر علیه السلام از قوم خود: صالح پیغمبر نیز از قوم خود پنهان شد و مدتها پنهان بود تا وقتی که ظهور کرد مردم او را شناختند مگر به وسیله پیراهن نبوت که در برداشت.

۳- غیبت حضرت یوسف علیه السلام از پدر و برادران: حضرت یوسف علیه السلام نیز حدود بیست سال یا بیشتر از برادران و پدر خود غایب بود در شهر مصر به سر می برد تا اینکه مأمور به ظهور گردید.

۴- غیبت حضرت موسی علیه السلام از قوم خود: امام صادق علیه السلام می فرماید: در قائم ما شباهتی از موسی علیه السلام می باشد و آن مخفی بودن ولادت و غیبت از قوم خود است.

و امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: صاحب این امر را چهار سنت از چهار پیغمبر می باشد: ۱- از موسی پیغمبر که از ترس دشمنان

فرار کرده خود را مخفی نمود.

۲- از یوسف پیغمبر که مردم را می بیند و می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همانگونه که یوسف برادران خود را شناخت ولی آنها او را نشناختند.

۳- از حضرت عیسی علیه السلام که می گفتند مرده است ولی او زنده بود و اکنون نیز زنده است.

۴- شباهت به جدش پیامبر اکرم ص که با شمشیر جامعه را اصلاح کرده و او نیز چنین خواهد بود. ^(۱)

فصل پنجم

نام امام زمان (عج) در کتاب‌های ادیان و مذاهب جهان
مرحوم مجلسی رحمته الله در کتاب تذکرة الائمة می‌گوید: تمام
امتهای گذشته مخصوصاً اهل کتاب که عبارتند از یهودی و
مسیحی و مجوسی و مرتاضان هندی همه و همه به وجود
شریف امام زمان (عج) قائلند البته با کمی اختلاف در
خصوصیات.

مثلاً در کتاب صحف ابراهیم او را «حاشر» می‌نامند و در
زبور «مُفِیق» و در تورات «بلغه و ماشع» و در انجیل «مسیح
الزمان» و در کتاب زمزم «سروش ایزد» و در کتاب ابستاغ
مجوسی «بهرام» و در کتاب هزار نامه هندوان، «لند بطاول» و در
کتاب جاودان خرداد مجوس «خسرو» و در کتاب برزین
آزرفارسیان «پرویز» و در کتاب فرنکان «فیروز» و در کتاب
قبروس رومیان «فردوس اکبر» و در کتاب باثنکل «راه نما» و در
کتاب شامکون «ایستاده و خدا شناس» و در کتاب دید منصور
«برهان الله» است. (۱)

فصل ششم

نظر دانشمندان درباره حکومت واحد جهانی

۱- برتراند راسل می گوید: مادامی که یک حکومت جهانی در دنیا نباشد رقابت برای کسب قدرت مابین کشورهای مختلف وجود دارد و چون زیادی جمعیت خطر گرسنگی را به بار می آورد هیچ راهی به جز حکومت جهانی وجود ندارد.

۲- پروفیسور ارتولد توین پی متفکر انگلیسی می گوید: تنها راه حفظ و نجات نسل بشر تشکیل یک حکومت جهانی و جلوگیری از گسترش سلاحهای اتمی است.

۳- پدوسکا مبلغ مذهب مسیحیت در آمریکا می گوید: در انجیل برای ظهور مصلح جهانی علائمی ذکر شده است که از جمله آنها وقوع زلزلهها، سیلها، جنگها، قحطی و خشکسالی است که تمام این علائم محقق شده و آن روز بسیار نزدیک است.

۴- خاخام و سیروئل دیوید رایس می گویند: کسانی که به کتاب تورات معتقدند می دانند که وجود اسرائیل کاملاً غیر مذهب یهود است و تورات تصریح می کند که یهودیان تا ظهور ناجی خود نمی توانند از دولت برخوردار شوند.^(۱)

فصل هفتم

عقیده علمای اهل سنت به وجود مقدس امام زمان (عج)

۱- ابن ابی الحدید می گوید: مشهور بین عموم مسلمین در تمام اعصار این است که مردی در آخر الزمان از اهل بیت پیغمبر ظاهر می شود که دین را تأیید و عدل را آشکار می سازد و مسلمین از او پیروی خواهند کرد و او بر ممالک اسلامی مسلط گشته و نام او مهدی (عج) است. (۱)

۲- شیخ الاسلام حموینی می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» یعنی کس قیام حضرت مهدی (عج) را منکر شود کافر است بر آنچه بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل شده است. (۲)

۳- محب الدین طبری می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی را از اهل بیت من که نامش نام من است مبعوث نماید. سلمان پرسید یا رسول الله از کدام فرزند شما است؟ حضرت دست مبارکش را روی شانه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام گذاشت و فرمود: از این فرزندم. (۳)

۲- فرائد السبطين

۱- مقدمه ابن خلدون ص ۲۶۲

۳- ذخائر العقبی ص ۱۲۶

۴- ابن جوزی می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نامش مانند نام من و کنیه اش، کنیه من است و زمین را پر از عدل و داد می کند هنگامی که پر از ظلم و جور شده باشد و این همان مهدی است. (۱)

۵- ابن صباغ مالکی می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر نمانده باشد از دنیا مگر یک روز خداوند آن روز را طولانی می کند تا اینکه مردی از امت و خاندان من که نامش نام من است را مبعوث می کند که زمین را پر از عدل و داد کند همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد. (۲)

۶- شیخ سلیمان بلخی می گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: خلفا و اوصیاء من و حجّت های خدا بر مردم پس از من دوازده نفرند که اول آنها علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام و آخرشان فرزندان مهدی (عج) است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند و زمین به نور پروردگار روشن می شود و حکومت حضرت مهدی (عج) شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت. (۳)

۱- تذکرة الخواص ص ۲۳۰

۲- فصول المهمة ص ۳۱۲

۳- ذخائر العقبی ص ۱۵

فصل هشتم

پاسخ سؤالات درباره حضرت مهدی (عج)

۱- چرا امام عصر (عج) دارای نامهای متعدد است؟ جواب:
امام عصر (عج) بنا بر نقل نجم الثاقب دارای ۱۹۵ اسم و لقب و کنیه است که هر کدام بیانگر یکی از ویژگیهای او است که مشهورترین آنها عبارتند از: ۱- مهدی ۲- قائم ۳- منتظر ۴- صاحب الامر ۵- حجت ۶- خلف صالح ۷- بقیه الله ۸- منتقم و نام و کنیه اصلی او نیز همان نام و کنیه رسول الله است. اما نامهای هشت گانه یاد شده به چه معنا است؟ اینگونه تفسیر کرده‌اند.

۱- مهدی: یعنی کسی که به سوی حق و عدالت در آشکار و نهان هدایت می‌شود و خداوند او را به اسرار و زمینه‌های نهان ارشاد می‌نماید.

۲- قائم: است یعنی به بزرگترین قیام در تاریخ بشریت دست می‌زند و قیامی که سراسر جهان را از ظلم و جور پاک می‌کند.
۳- صاحب الامر: است یعنی که امام بر حق است و اطاعتش به عنوان «ولی امر» بر همگان واجب است.

۴- منتظر: است، یعنی همه مردم در انتظار ظهورش هستند/تا برای پاکسازی سراسر زمین، از هر گونه ظلم و جور قیام و

انقلاب نماید.

۵- حجت: است، یعنی حجت خدا بر جهانیان می باشد و خداوند به وسیله او، حجت را بر جهانیان تمام می کند.

۶- خلف صالح: است، یعنی خط فکری امامان علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را دنبال می کند.

۷- بقیه الله: است، یعنی باقیمانده پیامبران و امامان و اولیای خدا است.

۸- منتقم: است، یعنی انتقام خون امام حسین علیه السلام و سایر مظلومان را از ستمگران خواهد گرفت.

۲- تعداد یاران حضرت مهدی چند نفر هستند؟ جواب: در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) روایاتی با تعبیرات مختلف نقل شده که در آستانه ظهور آن حضرت ۳۱۳ نفر از یاران او، در کنار کعبه به حضور او می آیند و امام عصر (عج) هم در انتظار آنها به سر می برد و آنها نخستین انسانهایی هستند که با امام عصر (عج) بیعت می کنند، و در آن هنگام قیام حضرت مهدی (عج) شروع می شود و مرحله به مرحله به پیش می رود و آن ۳۱۳ نفر پرچمداران حضرت مهدی (عج) و حاکمان منصوب از طرف آن حضرت در سراسر زمین می باشند.

۳- آیا در سراسر زمین هنوز این تعداد پیدا نمی شوند؟
جواب: این ۳۱۳ نفر مطابق روایات دارای ویژگیهایی هستند که

با توجه به این ویژگیها، روشن می شود که هنوز دنیا لیاقت آن را نیافته تا چنین افرادی را از خود بروز دهد.

۴- آیا در انقلاب حضرت مهدی (عج) زنان هم نقشی دارند؟ جواب: اینکه در روایات غالباً از مردان سخن گفته می شود به خاطر این است که آغاز قیام بیشتر مسأله جنگ و جهاد مطرح است که طبعاً مردان در میدانها هستند ولی بانوان در پشت جبهه به تلاش و حمایت از راه مهدی (عج) می پردازند.

در مورد ۳۱۳ نفر یاران حضرت مهدی (عج) اتفاقاً در بعضی روایات شرکت زنان نیز مطرح شده که از جمله آنها روایت امام باقر علیه السلام است که می فرماید: به خدا سوگند آن سیصد و خورده ای که برای یاری حضرت مهدی (عج) می شتابند در میان آنها پنجاه زن وجود دارد و در مکه اجتماع می کنند بدون اینکه قبلاً وعده داده باشند...^(۱)

و در حدیث دیگری مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: سیزده زن همراه حضرت مهدی (عج) هستند. مفضل می گوید: گفتم برای چه این زنها در کنار حضرت مهدی (عج) هستند؟

فرمود: به خاطر اینکه آنها مجروحان را مداوا می کنند و از مجروحان جنگی پرستاری می نمایند، چنانچه زنان در عصر

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همراه آن حضرت در جنگها این کارها را بر عهده می گرفتند. (۱)

۵- آیا این تعداد یعنی ۳۱۳ نفر برای یک قیام جهانی اندک نمی باشد؟ جواب: این یاران در آغاز کار به حضرت مهدی (عج) می پیوندند لیکن روز به روز و مرحله به مرحله بر یاران آن حضرت افزوده می شود.

به عبارت روشنتر این افراد، یاران ویژه هستند که هسته مرکزی و اعضای اصلی مقرر حکومت جهانی آن حضرت را تشکیل می دهند. و الا نیروهای رزمی بیش از اینها است. چنانچه در روایتی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: هفتاد هزار نفر از افراد راستین و خالص از کوفه به حمایت امام عصر (عج) بر می خیزند. (۲)

۶- کودکی پنج ساله چگونه امام می شود؟ جواب: همانگونه که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در کودکی بلکه در شیر خواری پیامبر شد و خطاب به مردم فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» یعنی من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب مرحمت کرده و مرا پیامبر قرار داده.

بنابر این اگر بچه شیر خوار گهواره ای بتواند به خواست خدا پیامبر شود حضرت مهدی (عج) هم به خواست خدا می تواند

۱- اثبات الهداة جلد ۷ ص ۱۵۰

۲- بحار جلد ۵۲ ص ۳۹۰

در سن پنج سالگی امام شود.

۷- آیا یک انسان می‌تواند بیش از هزار سال عمر کند؟
جواب: وقتی از نظر دین و دانش ثابت شود که عمر طولانی
محال نیست چه مانعی دارد که قدرت خداوند به آن تعلق بگیرد
و اراده کند که انسان صدها بلکه هزارها سال عمر نماید.

تواریخ مذهبی و ادیان نشان می‌دهد که افراد برجسته‌ای
همچون: الیاس، خضر و حضرت عیسی علیه السلام هنوز زنده‌اند، و
افرادی مثل لقمان، نوح و بعضی از پیامبران دیگر عمرهای
بسیار طولانی داشته‌اند.

و مطابق صریح قرآن حضرت نوح نهصد و پنجاه سال
پیامبری کرد و مطابق روایات حضرت سلیمان هفتصد و دوازده
سال و لقمان چهارصد سال و حضرت عاد سه هزار و پانصد
سال عمر کردند.

۸- غیبت طولانی چه فایده‌ای دارد؟ جواب: علت غیبت
امام عصر (عج) ما هستیم نه او اگر بنا شود او ظاهر گردد ولی
مردم جهان آمادگی ظهور و پذیرش او را نداشته باشند او نیز
مانند سایر امامان علیهم السلام می‌آید و بی آنکه به اهداف عالی مکتب
امامت برسد از دنیا می‌رود، در صورتی که خداوند خواسته او
ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد کند و اهداف همه
پیامبران الهی را تحقق بخشد و چنین ظهوری نیاز به زمبیه
سازی و آمادگی عمیق دارد.

افزایش روز افزون فساد و تبعیض و بی عدالتی و ظلم، انسانها را به ستوه می آورد به طوری که انسان تشنهٔ مصلح عادل خواهد شد.

دیگر اینکه کنجکاوی و تحقیق درباره علل غیبت، انسان را به این نتیجه می کشاند که حتماً موانعی بر سر راه است که آن حضرت در پشت پرده غیبت قرار گرفته، در نتیجه انسان در این کنجکاوی موانع را می شناسد و سپس برای دفع و رفع آن تلاش می کند.

۹- آیا ایستادگی در برابر ابرقدرتها ممکن است؟ جواب: حقیقت این است که مهمترین عوامل و ریشه های امکانات مختلف جهان در اختیار مسلمانان است، که اگر آنها در زیر یک پرچم اجتماع کنند می توانند بر همه ابرقدرتها پیروز گردند. ثانیاً، امکانات مسلمانان از جهات مختلف بر امکانات بیگانگان برتری دارد.

الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد: امروز بالغ بر یک میلیارد نفر، یعنی یک چهارم جمعیت کره زمین مسلمانان زندگی می کنند و دارای بیش از پنجاه کشور مستقل هستند و در بسیاری از کشورهای غیر اسلامی همچون هندوستان نیز مسلمانان پر شوری زندگی می کنند، که اگر اینها متحد شوند و همه در زیر پرچم قرآن اجتماع کنند هیچ نیرویی در جهان قدرت مقابله با آنها را نخواهد داشت.

ب: امکانات جغرافیایی دنیای اسلام: در دنیا هیچ قدرتی مانند

مسلمانان دارای امکانات جغرافیایی نیست، از باب مثال خلیج فارس، تنگه هرمز، کانال سوئز و جبل الطارق، همه در دست مسلمین است و عبور از اقیانوس هند، بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست و اگر به راستی یک روز مسلمانان با هم متحد شوند و این مواضع استراتژیک را کنترل کنند، و مانع بهره‌گیری بیگانگان از این مواضع شوند بخش عظیمی از چرخهای تکنیک و اقتصاد دنیا از حرکت باز می‌ایستد و موجب فرورفتگی و سرگردانی شدید آنها خواهد شد.

ج: امکانات اقتصادی دنیای اسلام: وضع اقتصادی مسلمانان در حدی است که تنها در اپک حداقل ۴۰٪ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تأمین می‌شود که اگر این سوخت نباشد دنیا در خاموشی فرو می‌رود.

قاره آفریقا که ۷۰٪ آن مسلمان هستند انبار باروت اروپا است که اگر این انبار را ببندند اروپا خفه می‌شود و از ادامه زندگی عاجز می‌گردد.

نتیجه اینکه اگر رهبران اسلامی و مسلمانان با هم متحد شوند و دست در دست هم گذارند و این همه امکانات را در انحصار خود در آورند قطعاً می‌توانند بر بیگانگان پیروز گردند، تازه این مطلب از نظر مادی است ولی مهمتر از همه امداد غیبی است که به کمک حضرت مهدی (عج) و سپاهش می‌آید، که قدرت مادی در برابر آن ناچیز است.

۱۰- مسئله رجعت چیست؟ جواب: رجعت یعنی پس از

ظهور امام عصر (عج) امامان عليهم السلام و افرادی از خوبان و بدان زنده می شوند و به دنیا باز می گردند. بدان به مجازات و نیکان به حق خود نائل می گردند.

هنگام ظهور امام عصر (عج) امامان یکی پس از دیگری به دنیا بر می گردند که اولین آنها امام حسین عليه السلام است.

امام صادق عليه السلام در بیان رجعت خطاب به مفضل می فرماید: ای مفضل، امام حسین عليه السلام به همراه دوازده هزار یار راستین و ۷۲ تن شهیدان کربلا ظاهر می شوند و در کوفه به حضرت مهدی (عج) ملحق می گردند. (۱)

ای مفضل تو و چهل و چهار نفر مرد به همراه حضرت مهدی (عج) خواهید بود. (۲)

افراد برجسته ای همچون اصحاب کهف، مالک اشتر و مقدار که تعداد آنها به بیست و هفت نفر می رسد، زنده می شوند و در نجف اشرف به سپاه حضرت مهدی (عج) ملحق می شوند. (۳)

یکی از ویژگی های حضرت مهدی (عج) این است که از قاتلین امام حسین عليه السلام و کسانی که به قتل او راضی بودند انتقام می گیرد چنانچه در یکی از فرازهای دعای ندبه آمده است که می فرماید: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» کجاست طالب خون حسین عليه السلام که در کربلا کشته شد.

۲- بحار جلد ۵۲ ص ۱۴۶

۱- بحار جلد ۵۲ ص ۱۶

۳- اثبات الهداة جلد ۷ ص ۱۵۴

۱۱- مدّت حکومت حضرت مهدی (عج) چقدر است؟ جواب:
 مدّت حکومت حضرت مهدی (عج) در روایات مختلف آمده:
 پنج سال، هفت سال، نوزده سال و هفتاد سال ذکر کرده‌اند؟
 و در بحار جلد ۵۲ ص ۳۹۰ از امام باقر علیه السلام روایت شده
 که فرمود: مهدی ما ۳۰۹ سال به اندازه خواب اصحاب کهف
 در غار، حکومت می‌کند و سراسر زمین را پر از عدل و داد
 می‌کند، همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد و خداوند شرق و
 غرب عالم را برای او فتح می‌کند و او دشمنان اسلام را می‌کشد
 به گونه‌ای که تنها دین اسلام در جهان باقی بماند.
 ممکن است این اختلاف روایات هم برای این باشد که تا
 حکومت شکل بگیرد، پنج سال و هفت سال و نوزده سال و
 چهل سال زمان می‌برد و پس از چهل سال که حکومت استقرار
 پیدا کرد، آنگاه به اندازه خواب اصحاب کهف حکومت را
 ادامه می‌دهد.

۱۲- آیا قیام حضرت مهدی (عج) مسلحانه است؟ جواب: از
 روایات متعددی که بیانگر جنگ آن حضرت، پس از ظهور و
 قیام است، فهمیده می‌شود که آن بزرگوار پس از ظهور، نخست
 همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به اسلام و بیعت دعوت
 می‌کند و حجت را بر آنها تمام می‌کند، در مقابل این دعوت،
 گروههایی به کار شکنی و توطئه و مخالفت بر می‌خیزند و آن
 بزرگوار در برابر آنها قیام مسلحانه می‌نماید و زمین را از لوث
 وجودشان، پاک می‌سازد.

۱۳- رحلت حضرت مهدی (عج) چگونه است؟ جواب: در مورد پایان عمر حضرت مهدی (عج) آن گونه که از گفتار امامان علیهم السلام بر می آید این است که همه امامان کشته و شهید می شوند و حضرت مهدی (عج) نیز چنین خواهد شد.

در مورد چگونگی شهادت حضرت مهدی (عج) روایتی در دست نیست، جز اینکه مرحوم علامه یزدی در کتاب الزام الناصب ص ۱۹۰ می نویسد: هنگامی که هفتاد سال از حکومت حضرت مهدی (عج) گذشت، زنی به نام سعیده که از بنی تمیم است و در صورتش ریش دارد، هنگام عبور حضرت مهدی (عج) سنگی بزرگ از پشت بام به طرف حضرت مهدی (عج) پرتاب می کند، و همین امر موجب شهادت آن حضرت می گردد، و امام حسین علیه السلام نیز، جهت غسل و کفن و نماز آن حضرت مهیا گشته و او را دفن می کند، سپس امام حسین علیه السلام زمام امور را به دست گرفته و امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری رجعت کرده حکومت می کنند و حکومت امامان علیهم السلام سالها طول می کشد و طبق بعضی از روایات، تنها امام حسین علیه السلام بعد از حضرت مهدی (عج) چهل هزار سال حکومت می کند. (۱)

بخش دوم

دوران غیبت صغری و کبری

شامل

- دیدار کنندگان آن حضرت در عصر امام حسن عسکری علیه السلام
- ماجرای غیبت صغری و غیبت کبری
- کسانی که در زمان غیبت کبری مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته‌اند
- مواعظ و ارشاد امام عصر (عج)
- علائم آخر الزمان
- در آخر الزمان اموری که نباید انجام شود انجام می‌شود

فصل اول

دیدار کنندگان آن حضرت در عصر امام حسن عسگری علیه السلام

فشار رژیم ستمگر معتمد عباسی به قدری شدید بود، که امام حسن عسگری علیه السلام حضرت مهدی (عج) را به طور کامل مخفی نگه می داشت، و جز چند نفر از دوستان مورد اطمینان، کسی حضرت مهدی (عج) را نمی دید و امام عسگری علیه السلام هم برای اتمام حجت، گاهی به بعضی از افراد مورد اعتماد اجازه دیدار آن حضرت را می داد که از باب نمونه می توان به مواردی از آن اشاره کرد.

۱- دیدار احمد بن اسحاق از امام عصر (عج): احمد بن اسحاق اشعری قمی وکیل امام حسن عسگری علیه السلام در قم، می گوید: به محضر امام حسن عسگری علیه السلام شرفیاب شدم و خواستم در مورد جانشینش سؤال کنم. امام علیه السلام فرمود: ای احمد بن اسحاق! همانا خداوند متعال از زمان آدم علیه السلام تا کنون زمین را خالی از حجت نگذاشته و تا قیامت هم زمین بدون حجت نمی ماند، حجتی که به خاطر وجود او بلاها از زمین

برطرف می شود و باران می بارد و برکات زمین آشکار می شود.
 احمد بن اسحاق می گوید: گفتم: یا بن رسول الله خواستم بدانم جانشین شما و امام بعد از شما کیست؟
 امام عليه السلام بلافاصله برخاست و با شتاب وارد اتاق گردید و طولی نکشید که دیدم کودکی را بر دوش گرفته، که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید و سن شریفش در حدود سه سال بود، آنگاه به من فرمود: ای احمد! اگر به خاطر کرامتی که پیش خدا و حجت‌های او داری نبود این فرزند کودکم را به تو نشان نمی دادم.

این پسر که همنام و هم کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. کسی است که سراسر زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد! مثل این پسر در میان این امت همچون مثل خضر و ذوالقرنین است. به خدا قسم این فرزند من در میان مردم غایب خواهد شد، در آن وقت هیچ کس از هلاکت نجات نیابد مگر کسی که خداوند او را بر عقیده امامتش ثابت و استوار بدارد و بر دعای فرجش موفق بدارد.

احمد بن اسحاق عرضه داشت یا بن رسول الله آیا نشانه‌ای که قلبم سرشار از اطمینان کند وجود دارد؟

در این هنگام آن کودک با زبان عربی فصیح و گویا چنین فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، فَلَا تَطْلُبْ آثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ»

ای احمد بن اسحاق من باقیمانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده دشمنان خدا هستم پس بعد از این دیدار آشکار در جستجوی نشانه‌ای دیگر نباش.

احمد می‌گوید: بسیار خوشحال شدم و از محضر امام حسن عسگری علیه السلام بیرون آمدم ولی فردای آن روز مجدداً به محضرش شرفیاب شدم و عرضه داشتم: یا بن رسول الله از کرامتی که به من فرمودی بسیار خوشحال شدم، اما خواستم بدانم که منظور از مقایسه حضرت مهدی (عج) با خضر و ذوالقرنین (که دیروز فرمودی) چه بود؟ فرمود: مقایسه در طور عمر بود. عرض کردم غیبت آن حضرت طولانی خواهد بود؟ فرمود: به خدا قسم آری، به گونه‌ای که عده زیادی از معتقدان به آن حضرت از عقیده خود باز می‌گردند. و کسی باقی نمی‌ماند مگر آن کسی که خداوند ولایت ما را از او پیمان گرفته باشد، و ایمان را در قلب او محکم و استوار کرده باشد...
ای احمد این موضوع فرمانی از فرمانهای خدا و رازی از اسرار او است، آنچه به تو گفتم آن را بگیر و پنهان کن و از شکر گزاران باش تا در قیامت در جایگاه ارجمندی قرار گیری^(۱)

۲- دیدار چهل نفر از شیعیان خاص با آن حضرت: جعفر بن محمد بن مالک می‌گوید: در محضر امام حسن عسگری علیه السلام بودم و چهل نفر در آنجا حضور داشتند که از جمله آنها عثمان

بن سعید عمری بود، وی برخاست و عرضه داشت ای فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می خواهم موضوعی را بپرسم که شما بر آن آگاهید.

امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بنشین ای عثمان! آنگاه برخاست که بیرون رود، خطاب به حاضران فرمود: هیچ کس بیرون نرود، پس از ساعتی، امام عَلَيْهِ السَّلَام آمد و صدا زد ای عثمان بن سعید! عثمان پیش روی امام عَلَيْهِ السَّلَام ایستاد.

آنگاه امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به حاضران فرمود: آیا به شما خبر دهم که برای چه کاری به اینجا آمده اید؟ حاضران گفتند: بلی یا بن رسول الله فرمود: آمده اید که از حجت بعد از من برسید.

حاضران گفتند: آری برای پاسخ به همین سؤال آمده ایم. در این هنگام حاضران دیدند کودکی با چهره ای نورانی که شبیه ترین مردم به امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام بود از در وارد شد، امام عَلَيْهِ السَّلَام در حالی که به آن کودک اشاره می کرد، خطاب به آن حاضران فرمود: این امام شما بعد از من است و خلیفه من بر شما است، او را اطاعت کنید و بعد از من پراکنده نگردید که در این صورت در دین خود هلاک خواهید شد.

آگاه باشید که شما بعد از من این پسر را نخواهید دید تا دورانش کامل گردد. و چنانچه کاری داشته باشید به عثمان بن سعید مراجعه کنید و آنچه او می گوید اطاعت نمایید و سخنش را بشنوید، که او جانشین امام شما است و زمام امور در دست او می باشد. (۱)

فصل دوم

ماجرای غیبت صغری و کبری

۱- آغاز غیبت صغری و نایبان چهارگانه

فشار و شرایط سخت زمان، باعث شد که پس از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، حضرت مهدی (عج) غایب گردید، به طوری که حتی شیعیان خاص از دیدار او جز در موارد نادر محروم گشتند.

مطابق روایات بسیار، آن حضرت دارای دو غیبت است:

۱- غیبت صغری (کوتاه) ۲- غیبت کبری (طولانی)

در غیبت صغری که از سال ۲۶۰ آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ادامه یافت، حدود هفتاد سال، آن حضرت توسط نمایندگان خاصش که به نواب اربعه (نایبهای خاص چهارگانه) معروفند با مردم تماس داشت، نام این چهار نایب خاص و مدت نیابتشان از این قرار است:

۱- عثمان بن سعید عمّری، از سال ۲۶۰ تا ۳۰۰ (چهل سال) او در سال ۳۰۰ از دنیا رفت

۲- محمد بن عثمان، پس از پدر عهده‌دار نیابت خاص شد، و پنج سال نیابت کرد و سرانجام در سال ۳۰۵ هجری درگذشت.

۳- حسین بن روح نوبختی که در شعبان ۳۲۶ وفات کرد، بنابراین حدود ۲۱ سال عهده‌دار مقام نیابت بود.

۴- علی بن محمد سمری که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ وفات

کرد و حدود سه سال نیابت نمود.

به این ترتیب این چهار بزرگوار که هر کدام فقیهی عالیقدر و ممتاز بودند بین شیعیان و حضرت مهدی (عج) وساطت می‌کردند، و امور دوران هفتاد ساله غیبت صغری را بر عهده گرفتند و مسؤولیت خطیر نیابت خاص را به خوبی به پایان رساندند. مرقد شریف نواب اربعه در مدائن (نزدیک بغداد) در کنار قبر حضرت سلمان رضی الله عنه قرار گرفته است.

لازم به تذکر است که چهار نایب خاص نامبرده هر کدام دارای نمایندگانی بودند که آن نمایندگان با شیعیان تماس داشتند و نامه‌ها، سؤالات و اموال سهم امام (عج) را از آنها می‌گرفتند و به نایبهای خاص تحویل می‌دادند و یا طبق دستور آنها آن اموال را به مصرف می‌رساندند. بعضی از این نمایندگان عبارت بودند از: ۱- حاجز بن یزید و شاء ۲- ابراهیم بن مهزیار ۳- محمد بن ابراهیم بن مهزیار ۴- احمد بن اسحاق اشعری قمی ۵- محمد بن جعفر اسدی ۶- قاسم بن علاء ۷- حسن بن قاسم بن علاء ۸- محمد بن شاذان

۲- اعلامیه ختم دوران غیبت صغری و آغاز غیبت کبری:
نایبان چهارگانه هر کدام به دستور مستقیم مهدی (عج) یکی پس از دیگری نصب می‌شدند تا اینکه علی بن محمد سمري نایب چهارم از دنیا رفت و غیبت صغری به پایان رسید، شش روز قبل از وفات علی بن محمد سمري امام عصر (عج) نامه‌ای را به او داد که متن آن به قرار زیر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري خداوند اجر برادرانت را در مورد

فقدان تو، بزرگ کند، تو پس از شش روز دیگر از دنیا می روی، کارهای خود را سامان بده و آماده رحلت باش، و به هیچ کس در مورد جانشینی خود وصیت نکن که غیبت کبری فرا رسیده و دیگر ظهوری در بین نیست مگر بعد از اذن خداوند متعال، و این ظهور پس از مدتی طولانی در آن هنگامی خواهد بود که دلها سخت شده و زمین پر از ظلم و جور گشته باشد.

غیبت کبری و ولایت فقیه: پس از وفات علی بن محمد سمری چهارمین نائب خاص آن حضرت (عج) دیگر نائب خاصی برای آن حضرت نخواهد بود و امور مردم به فقهای جامع الشرایط که ما از آن به ولایت فقیه تعبیر می کنیم سپرده شده است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: از عثمان بن سعید نخستین نائب خاص آن حضرت خواستم که نامه مرا به آن حضرت برساند و در آن نامه پرسیده بودم که اگر ما در عصر غیبت کبری قرار گرفتیم در مشکلات به چه کسی مراجعه کنیم.

امام علیه السلام با خط مبارک خود در پاسخ سؤال من چنین فرمودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»

یعنی در حوادث و رخدادها به راویان حدیث ما (یعنی فقها) مراجعه کنید، که آنها حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا هستم بر آنها. (۱)

۱- سیره چهارده معصوم علیهم السلام حجت الاسلام آقای محمدی اشتهاردی به نقل از کشف الغمه جلد ۳ ص ۴۵۷ و اعلام الوری ص ۴۲۳

فصل سوم

کسانی که در زمان غیبت کبری مورد عنایت

آن حضرت قرار گرفته‌اند (۱)

۱- دیدار مرحوم مقدس اردبیلی با آن حضرت در مسجد کوفه: سید میر علام تفرشی که از شاگردان مرحوم مقدس اردبیلی رحمته الله است می‌گوید: شبی در صحن مطهر آقا امیرالمؤمنین علیه السلام راه می‌رفتم، ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم مطهر می‌آید وقتی دقت کردم دیدم استادم ملا احمد اردبیلی است.

خود را از او مخفی کردم و دیدم که نزدیک درب حرم رسید و ناگهان درب حرم باز شد و مقدس اردبیلی وارد حرم گردید و پس از لحظاتی صدای او را شنیدم که گویا با کسی صحبت می‌کند، پس از چندی دیدم از حرم خارج شد و درب حرم بسته شد. من به دنبال او راه افتادم به گونه‌ای که مرا نمی‌دید تا اینکه وارد مسجد کوفه شد و من نیز به همراه او بودم، دیدم وارد محراب امیرالمؤمنین علیه السلام شد و گویا با کسی مشغول صحبت شد و طولی نکشید که از مسجد خارج شد و رهسپار نجف اشرف گردید.

من نیز همچنان از پشت سر او در حرکت بودم تا اینکه

۱- اقتباس از کتاب عنایات حضرت مهدی، جناب حجت الاسلام آقای باقی اصفهانی

نزدیک به مسجد حنانه شدیم، در این هنگام سرفه‌ای عارض من گردید و نتوانستم خودداری کنم. وقتی مقدس اردبیلی سرفه‌ام را شنید، متوجه من شد و فرمود: آیا تو میر علام هستی؟ گفتم: بلی. فرمود: اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: از وقتی که داخل حرم شدید تا کنون من با شما بودم و من شما را به صاحب این قبر امیرالمؤمنین علیه السلام قسم می‌دهم که قضیه امشب را از اول تا به آخر برایم شرح دهید. مقدس اردبیلی فرمود: برایت شرح می‌دهم به شرط اینکه تا زنده‌ام برای کسی نگویی! من هم قبول کردم. مقدس اردبیلی فرمودند: بعضی از مسائل بر من مشکل شد و در فکر حل آنها بودم تا اینکه به دلم خطور کرد که خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام بروم و از او سؤال کنم وقتی به حرم مطهر آن حضرت رسیدم همان طور که دیدی در باز شد و من داخل شدم و با تضرع و زاری سؤالاتم را مطرح کردم ناگاه صدایی از آن قبر مطهر بلند شد که فرمود: به مسجد کوفه برو و سؤالهایت را از حضرت مهدی (عج) بپرس زیرا او امام زمان تو است، بنابراین به محراب مسجد کوفه آمدم و آنها را از آن حضرت سؤال کردم و ایشان جواب فرمودند. (۱)

۲- تشریف علامه بحر العلوم و مذاکره با آن حضرت درباره

ثواب زیارت و عزاداری امام حسین علیه السلام

علامه بحر العلوم می‌گوید: جهت تشریف به سامرا مسافرت کرده بودم و در بین راه راجع به این مسئله که گریه برای امام

حسین علیه السلام باعث آمرزش گناهان است فکر می‌کردم، در این هنگام متوجه شدم که شخص عربی سوار بر اسب به من رسید و سلام کرد و پرسید: جناب سید درباره چه فکر می‌کنی؟ اگر مسئله علمی است آن را مطرح کنید، شاید من هم اهل آن باشم.

علامه بحر العلوم در جواب گفت: من در این فکرم که چگونه خدای متعال برای زائرین و گریه کنندگان امام حسین علیه السلام این همه ثواب و اجر قائل شده مثلاً برای هر قدمی که در راه زیارت امام حسین علیه السلام برداشته شود ثواب یک حج و عمره و یا برای یک قطره اشک، تمام گناهان او آمرزیده می‌شود!

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی بیان می‌کنم تا مشکلت حل شود.

روزی سلطانی به همراه یاران خود به شکار رفته بود، در این میان بین او و همراهانش فاصله ایجاد شد و دچار مشقت گردید و بر اثر مشقت زیاد گرسنگی بر او غالب شد، در این هنگام خیمه‌ای را دید و به آنجا پناه برد، پیرزنی با پسرش در آن خیمه زندگی می‌کردند که جز یک بزغاله شیرده چیز دیگری نداشتند. وقتی سلطان به خیمه آنها وارد شد، او را نشناختند، اما برای پذیرایی مهمان بزغاله را سر بریدند و کباب کردند و از او پذیرایی کردند.

پادشاه آن شب را در خیمه آنها بسر برد و روز بعد از آنها

جدا شد و به شهر و پایتخت بازگردید و قضیه را برای درباریان بازگو کرد و سپس از درباریان پرسید اگر من بخواهم پذیرایی آن پیرزن و فرزندش را جبران کنم چه باید کنم؟ یکی از درباریان گفت: صد گوسفند به آنها بدهی کافی است. دیگری گفت: صد گوسفند و صد اشرفی سومی گفت: فلان مزرعه را به آنها واگذار کنید.

سلطان جواب آنها را قانع کننده ندانست و گفت: هر چه به آنها بدهم در مقابل مهمان نوازی آنها کم است، فقط اگر سلطنت و تاج و تختم را به آنها بدهم، تازه مقابله به مثل کرده‌ام! چون آنها هر چه داشتند به من دادند من هم باید هر چه دارم به آنها بدهم تا کار آنها تلافی شود.

سپس سوار عرب به علامه سید مهدی بحر العلوم فرمود: ای جناب بحر العلوم! حضرت سید الشهداء علیه السلام هر چه از مال و منال و زن و فرزند و خواهر و برادر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد، پس اگر خدا به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت آن همه ثواب عنایت کند نباید تعجب کنید (چون خداوند نمی‌تواند خدایی اش را به حضرت سید الشهداء بدهد، هر مقامی که به آن حضرت و زوار و عزادارانش عنایت کند باز در نظر خدا زیاد نیست).

هنگامی که شخص عرب این مطلب را فرمود، ناگهان از نظر علامه بحر العلوم ناپدید شد.^(۱)

اجازه گرفتن میرزای شیرازی از امام زمان (عج) برای حکم تحریم تنباکو

هنگامی که استعمار انگلیس در ایران، امتیاز کشت و فروش توتون و تنباکو را به دست گرفت قصد داشت با این بهانه در کشور ایران نفوذ و افکار خود را در بین مردم رواج دهد. در این هنگام تنها علماء و فقهای بزرگ شیعه، به فکر نجات مسلمانان از چنگال استعمار انگلیس افتادند.

در این میان حضرت آیت الله سید محمد فشارکی قدس سره نزد استاد بزرگوارش حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسن شیرازی (اعلی الله مقامه) آمد و قضیه را برای آن حضرت بازگو کرد و از او خواست که علیه استعمار انگلیس قیام کند و فتوایی بر تحریم تنباکو صادر کند.

مرحوم میرزا خطاب به سید محمد فشارکی فرمود: مدت‌ها است که در این فکر هستم و در این مدت، جهات مختلف این فتوا را بررسی می‌کردم تا اینکه دیروز به نتیجه نهایی رسیدم و امروز به سرداب مقدس رفتم تا از مولایم امام زمان (ارواحنا فداه) اجازه حکم را بگیرم و آقا نیز اجازه فرمودند و امروز قبل از آمدن شما این حکم را نوشتم.

سپس میرزا حکم را به سید محمد فشارکی نشان داد و سید نیز از استاد معذرت خواهی کرد و از محضر استاد خدا حافظی کرد و رفت.

حکم میرزا چنین بود:

الیوم استعمال تو تون و تنبا کو بای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان است (سلام الله علیه)

این حکم به ایران ارسال شد و در مدت کوتاهی در سراسر ایران پخش گردید و تمام مردم به اطاعت از مرجع تقلید شیعیان توتونها را دور ریختند و قلیانها را شکستند و به این وسیله استعمارگران انگلیس را شکست دادند.

بعد از شکست انگلیس، بعضی از مردم و علماء نزد میرزای شیرازی رفتند و به خاطر پیروزی نهضت، به او تبریک گفتند. مرحوم میرزا با شنیدن تبریکها به گریه افتاد، وقتی علت گریه او را جویا شدند فرمود: از این پس دشمنان به فکر مبارزه با روحانیت می افتند، زیرا کانون خطر را شناختند.^(۱)

۴- برداشتن هوای ریاست از حضرت آیه الله سید محمد فشارکی (قدس سره)

مرحوم آیت الله حاج آقا حسن فرید محسنی (قدس سره) از قول مرحوم حجت الاسلام آقای شیخ محمد رضا ازقدانی اراکی نقل کردند که وقتی مرحوم آیت الله العظمی میرزای بزرگ شیرازی در سامراء از دنیا رفت همه یقین داشتند که آقای سید محمد فشارکی بر جنازه او نماز خواهد خواند و بعد از مرحوم میرزای شیرازی مرجعیت و زعامت از آن ایشان خواهد بود، اما بر خلاف انتظار دیدند هنگام نماز سید نیامد، و

هر چه تفحص کردند، او را نیافتند و چند ساعتی جنازه را معطل گذاشتند و عاقبت از آمدن او مأیوس شدند و مردم خود بر جنازه او نماز خواندند و برای نجف حرکت کردند.

در این هنگام دیدند که سید محمد فشارکی پیدا شد در حالی که چشمانش پر از اشک بود! گفتند آقا کجا بودید و چرا هنگام نماز نیامدید که بر جنازه میرزا نماز بخوانید و تکلیف مردم معلوم شود؟!

سید فرمود: من خودم این حساب را کرده بودم و دیدم دلم برای ریاست می‌طپد، پس رفتم در جایی و به حضرت ولی عصر (عج) متوسل شدم و قسمش دادم که این هوای ریاست از سرم برداشته شود پس لطف فرمودند و پذیرفتند، حالا هر که می‌خواهد رئیس باشد، باشد. (۱)

۵- شفای آیه الله محسنی ملایری در مسجد جمکران

حضرت آیه الله محسنی ملایری قدس سره فرمودند: یک بار به درد پای شدیدی مبتلا شدم، به مسجد مقدس جمکران شرفیاب شدم و به حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) متوسل شدم و از عنایات بیکران آن حضرت، به هنگام مراجعت درد پایم بکلی بر طرف شد. (۲)

۶- اعطای چهارصد عبای زمستانی توسط حضرت

۱- گنجینه دانشمندان جلد ۶ ص ۱۰۷

۲- مسجد مقدس جمکران ص ۶۰

مهدی (عج) به طلاب حوزه علمیه قم از مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی نقل شده که فرمودند: در عصر مرحوم آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری قدس سره که عده محصلین حوزه علمیه قم به چهار صد نفر رسیده بود، در هنگام زمستان، طلاب از حاج شیخ محمد تقی بافقی قدس سره که مقسم شهریه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم بود عبای زمستانی خواستند و ایشان نیز قضیه را با مرحوم شیخ در میان گذاشت، مرحوم شیخ فرمودند: چهار صد عبا را از کجا بیاورم؟ مرحوم بافقی گفتند: از امام زمان (عج) بگیرید! شیخ فرمودند من برای گرفتن آنها راهی ندارم، مرحوم بافقی فرمودند: من انشاء الله خواهم گرفت.

آقای بافقی شب جمعهای به مسجد جمکران رفت و روز جمعه به مرحوم حاج شیخ گفت: آقا صاحب الزمان فرمودند: فردا که شنبه است، چهار صد عبا را مرحمت می کنند. و روز شنبه به وسیله مردی از تجار عباها رسید و بین طلاب تقسیم گردید. (۱)

۷- برآورده شدن حاجت ملا محمود عراقی با توسل به امام

عصر (عج)

در کتاب دار السلام شیخ محمود عراقی قدس سره آمده است که در سال ۱۲۶۶ با امام جمعه تبریز حاج میرزا باقر تبریزی قدس سره در

تهران به سر می‌بردم، روزی در میان تالار حیاط با امام جمعه نشسته بودم و برای نماز و استراحت برخاستم و به اتاقی رفتم و پس از خواندن نماز ظهر و عصر در طاقچه اتاق کتابی دیدم که در احوالات حضرت حجّت (عج) نوشته شده بود، خوب که دقت کردم دیدم جلد ۱۳ بحار است.

در این کتاب قضیه ابی البغل نظر مرا به خود جلب کرد که امام عصر (عج) به ابی البغل کاتب فرموده بود: برای رفع گرفتاری و برآمدن حاجت دو رکعت نماز بخوان و سپس بگو: «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ وَ السَّرِيرَةَ يَا عَظِيمَ الْمَنْ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى وَ يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدَأَ الْبِنَعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا» سپس ده مرتبه می‌گویی یا رَبَّاهُ و ده مرتبه می‌گویی یا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ بعد می‌گویی «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي وَ نَفَسْتَ هَمِّي وَ فَرَجْتَ غَمِّي وَ أَصْلَحْتَ حَالِي» سپس حاجت خود را می‌خواهی و پس از خواستن حاجت طرف راست صورت را بر زمین روی مهر گذاشته صد مرتبه می‌گویی: «یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَ اَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ»

بعد طرف چپ صورت را بر مهر نهاده صد مرتبه می‌گویی اَدْرِكْنِي وَ سپس به قدری اَلْغُوْثَ اَلْغُوْثَ می‌گویی تا نفس قطع شود بعد سر از سجده بر می‌داری امید است انشاء الله حاجت

برآورده گردد.

ملا محمود عراقی می گوید: من با خودم گفتم خوب است این توسل را تجربه کنم برخاستم نماز و دعا را خواندم و از خداوند متعال برای خود فرج و گشایش طلب کردم و بعد از اتاق پایین آمدم و در تالار نزد امام جمعه نشستم.

در این هنگام دیدم مردی از در وارد شد و نامه‌ای به دست امام جمعه داد و دستمال سفیدی جلویش گذاشت و رفت. امام جمعه نامه را خواند سپس با آن دستمال به من داد و فرمود: این نامه و دستمال از آن تو است. وقتی ملاحظه کردم دیدم آقا علی اصغر تاجر تبریزی که در سرای امیر تجارخانه داشت، بیست تومان پول در دستمال گذاشته است و در نامه‌ای به امام جمعه نوشته که این پول را به فلانی بدهید.

من از این جریان تعجب کردم و سبحان الله گویان به خنده افتادم. امام جمعه از علت خنده من سؤال کرد، ماجرا را برایش نقل کردم. گفتم: سبحان الله پس چه خوب است من هم برای رفع گرفتاری خود این کار را انجام دهم. گفتم: زود برخیز و مشغول شو.

او هم برخواست و به همان اتاق رفت و پس از نماز ظهر و عصر عمل را انجام داد طولی نکشید مأموری که او را از تبریز به تهران آورده بود، از کار برکنار شد و به کاشان تبعید گردید و پادشاه وقت به عنوان عذر خواهی نزد امام جمعه آمد و ایشان

ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را هنگامی بخواند که تمام ستارگان غروب کنند.

۴- سجده شکر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را فراموش نکنید: در احتجاج جلد ۲ ص ۳۰۸ امام زمان (عج) در ضمن پاسخ به سؤالات محمد بن عبدالله حمیری در اهمیت سجده شکر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید: سجده شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات است. و فضیلت دعا و تسبیح پس از نمازهای واجب بر دعاهاى بعد از نوافل مانند فضیلت واجبات است بر نوافل و سجده شکر هم در ردیف دعا و تسبیح است.

امام (عج) در این حدیث به چند نکته اشاره کرده:

۱- سجده شکر، زمان و مکان خاصی ندارد، ولی با توجه به این حدیث بهترین زمان برای این کار بعد از نمازهای واجب و نوافل است.

۲- ثواب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب از ثواب دعا و تسبیح بعد از نوافل بیشتر است، همانگونه که فضیلت فرایض از نوافل بیشتر است.

۵- فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء علیهم السلام: در بحار جلد ۵۳ ص ۱۶۵ از محمد بن عبدالله حمیری روایت کرده که می گوید: از امام عصر (عج) درباره تربت و خاک قبر امام حسین علیه السلام سؤال کردم که آیا می شود تسبیح ساخت؟ امام

را با احترام به تبریز برگردانید. (۱)

۸- نجات مرحوم آقا نجفی اصفهانی از کشته شدن بر اثر
توسل به امام عصر (عج)

مرحوم آقا نجفی اصفهانی رحمته الله فرمودند: در سفر حج، روزی
به خارج شهر مکه رفتم و مشغول عبادت شدم، در بین نماز
یکی از مخالفین متعصب از بالای کوه مرا دید و بر اثر کینه‌ای
که از من در دل داشت به قصد کشتن من از کوه بزیر آمد و
چون در بیابان کسی نبود یقین پیدا کردم که به قصد کشتن من
می‌آید در همان حال دست توسل به دامان امام عصر (عج) زدم
که دیدم ناگاه پای آن خبیث به سنگی خورد و از کوه به زمین
افتاد و در دم جان داد و به درک واصل گردید. (۲)

۱- العبقری الحسان جلد ۱ ص ۱۲۹

۲- العبقری الحسان جلد ۱ ص ۱۰۰

فصل چهارم

مواظ و ارشاد امام عصر (عج)

۱- زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود: در بحار جلد ۵۳ ص ۱۹۱ امام عصر (عج) در توقیعی خطاب به عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد می فرماید: زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود چه آن حجت ظاهر باشد و چه پنهان.

۲- نماز بینی شیطان را به خاک می مالد: در کمال الدین جلد ۲ ص ۵۲۰ امام عصر (عج) در پاسخ به سؤالات جعفر بن محمد اسدی در اهمیت نماز می فرماید: هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

۳- کسی که نماز صبح و مغرب را دیر بخواند ملعون است: در وسائل جلد ۲ ص ۱۴۷ کلینی از زهری روایت کرده که می گوید: از عمری که یکی از نائبان خاص امام عصر (عج) بود خواستم که مرا به دیدار امام عصر (عج) برساند، پس از اینکه به دیدار آن حضرت موفق شدم سؤال چندی از آن حضرت کردم که از جمله آنها وقت فضیلت نماز صبح و مغرب بود. امام (عج) فرمود: ملعون است ملعون است کسی که نماز مغرب را آن قدر تأخیر بیندازد که تمام ستاره ها طلوع کنند و

ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را هنگامی بخواند که تمام ستارگان غروب کنند.

۴- سجده شکر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را فراموش نکنید: در احتجاج جلد ۲ ص ۳۰۸ امام زمان (عج) در ضمن پاسخ به سؤالات محمد بن عبدالله حمیری در اهمیت سجده شکر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید: سجده شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات است. و فضیلت دعا و تسبیح پس از نمازهای واجب بر دعاهای بعد از نوافل مانند فضیلت واجبات است بر نوافل و سجده شکر هم در ردیف دعا و تسبیح است.

امام (عج) در این حدیث به چند نکته اشاره کرده:

۱- سجده شکر، زمان و مکان خاصی ندارد، ولی با توجه به این حدیث بهترین زمان برای این کار بعد از نمازهای واجب و نوافل است.

۲- ثواب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب از ثواب دعا و تسبیح بعد از نوافل بیشتر است، همانگونه که فضیلت فرایض از نوافل بیشتر است.

۵- فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء علیهم السلام: در بحار جلد ۵۳ ص ۱۶۵ از محمد بن عبدالله حمیری روایت کرده که می گوید: از امام عصر (عج) درباره تربت و خاک قبر امام حسین علیه السلام سؤال کردم که آیا می شود تسبیح ساخت؟ امام

(عج) فرمود: تسبیح خود را از تربت امام حسین علیه السلام بسازید و با آن خداوند را تسبیح نمائید زیرا برای تسبیح چیزی بهتر از تربت امام حسین علیه السلام نیست. که از جمله فضائل تسبیح تربت امام حسین علیه السلام این است که اگر کسی تسبیح تربت را بدست گیرد و بگرداند ولی ذکر را فراموش کند و نگوید ثواب ذکر برای او نوشته می شود.

ع- منکرین امام زمان (عج) اهل جهنم خواهند بود: در کمال الدین ص ۴۸۴ امام زمان (عج) در جواب اسحاق بن یعقوب که پرسیده بود آیا از بستگان شما که سادات هستند اگر کسی منکر امامت شما باشد جزء گمراهان محسوب می شود؟ امام (عج) در پاسخ فرمود: بین خداوند عزوجل و احدی قرابت و خویشاوندی نیست و چنانچه کسی مرا انکار کند از من نیست و راه او راه فرزند نوح است. (یعنی همانگونه که پسر نوح بر اثر نافرمانی از پدر هلاک شد کسانی هم که مرا قبول نداشته باشند ولو از بستگان من باشند هلاک خواهند شد).

چون یکی از موارد نافرمانی خداوند انکار امام زمان (عج) یا انکار وجود آن حضرت است و کسانی که در این مسیر قرار می گیرند راهشان راه پسر نوح است که بهر جا بروند روی خوش و سعادت نخواهند دید، همانگونه که پسر نوح بر اثر نافرمانی پدر روی خوش ندید و غرق شد.

و چه زیبا فرمود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: که فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر کس بر آن سوار شود نجات

می یابد و هرکس تخلف ورزد غرق خواهد شد.

۷- خشنودی امام زمان (عج) در اطاعت و بندگی خدا است: در احتجاج جلد ۲ ص ۳۲۳ امام زمان (عج) در نامه‌ای که برای شیخ مفید (ره) فرستاده بود بعد از تأیید ایشان و ذکر سفارش‌ها و دستورات گوناگون به شیعیان، می‌فرماید: هر یک از شیعیان ما باید کاری انجام دهند که به محبت ما اهل بیت نزدیک شوند و از کارهایی که موجب کراهت و ناخرسندی ما می‌شود اجتناب کنند.

از این حدیث بخوبی استفاده می‌شود که آنچه موجب خشنودی اهل بیت علیهم‌السلام است اطاعت و بندگی خدا است و آنچه مایه خشم و غضب آنها می‌شود گناه و نافرمانی الهی است.

۸- کیفیت درخواست حاجت از نگاه امام عصر (عج): در مصباح کفعمی ص ۳۹۶ از ابو عبدالله حسین بن محمد بزروقی نقل شده که می‌گوید: از ناحیه مقدس امام زمان (عج) توقیعی صادر شد که در آن نوشته بود: هرکس حاجتی داشته و بخواهد خداوند آن را برآورده سازد شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند آنگاه به جایگاه نمازش برود و دو رکعت نماز بخواند که در هر رکعت حمد و یک قل هو الله بخواند و موقع خواندن حمد ایاک نعبد و ایاک نستعین را صد بار تکرار کند و پس از آن حمد را تمام کرده، یک بار قل هو الله بخواند و ذکر رکوع

و سجود را هر کدام هفت بار تکرار کند و در رکعت دوم هم مانند رکعت اول انجام دهد (یعنی نماز امام زمان (عج) را بخواند) و بعد از نماز دعا کند و از خداوند حاجت خود را بخواهد که انشاء الله برآورده خواهد شد.

٩- کسی که خمس مالش را ندهد ملعون است: در اکمال الدین صدوق ص ٥٢٣ آمده است که نامه‌ای توسط نائب خاص امام عصر (عج) به ابوالحسن اسدی رسید که حضرت در آن نوشته بود لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که از مال ما (یعنی خمس) درهمی را بدون اجازه ما بخورد.

١٠- از سؤالهای بیجا پرهیزید: در بحار جلد ٥٢ ص ٩٢ از اسحاق بن یعقوب نقل شده که امام زمان (عج) خطاب به ایشان فرمود: درهای سؤال را از اموری که برای شما نفعی ندارد ببندید (یعنی از سؤالهای بیجا پرهیز کنید).

١١- عنایت امام عصر (عج) به دوستانش: در بحار جلد ٥٣ ص ١٧٥ امام زمان (عج) خطاب به شیخ مفید می‌فرماید: ما به امور زندگی شما توجه داریم و هرگز شما را از یاد نمی‌بریم.

١٢- کسی که وقت ظهور را معین کند دروغگو است: در اعلام الوری ص ٤٢٤، امام زمان (عج) می‌فرماید: ظهور فرج مربوط به اراده خدا است و تعیین کنندگان وقت ظهور، دروغگو هستند.

فصل پنجم

علائم آخر الزمان^(۱)

۱- اهانت و بی احترامی نسبت به یکدیگر: در غیبت نعمانی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: ظهور امام زمان (عج) هنگامی خواهد بود که مردم (نسبت به یکدیگر بی احترامی کرده) آب دهن به صورت هم می اندازند و یکدیگر را لعنت کرده دروغگو بدانند.

۲- اذیت و آزار بچه‌ها از مار بیشتر است: در کتاب ملاحم ص ۵۹ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: اگر زن مار بزاید (در آخر الزمان) بهتر است از اینکه بچه بزاید، و تربیت بچه سگ بهتر است از فرزند.

۳- زنها به نداشتن فرزند شادمانند: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۴۵ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: یکی از علامت ظهور امام عصر (عج) آن است که: زنها بچه دار از داشتن بچه ناراحت و زنهایی که بچه ندارند شادمانند. و در حدیث دیگری فرمود: بچه‌های دوره‌ی آخر الزمان ناز

۱- اقتباس از کتاب ارزشمند و گران قدر یأتی علی الناس علامه عالیقدر آیت الله دهرخی اصفهانی

نازی و اذیت رسانند.

۴- برادران در خط هم نیستند: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۴۹ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: یکی از علامات ظهور امام عصر (عج) این است که برادرانی که از پدر و مادر یکی هستند در امر دین با هم اختلاف دارند (یعنی در امر دین در خط هم نیستند).

۵- اختلاف و کشمکش و کثرت زمین لرزه: در ملاحم ص ۱۶۳ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: ظهور مهدی موعود هنگامی خواهد بود که مردم با هم اختلاف داشته و زمین لرزه زیاد شود.

۶- مرگ ناگهانی زیاد می شود: در کتاب الزام الناصب جلد ۲ ص ۱۲۵ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: یکی از علامات ظهور امام عصر (عج) شایع شدن بواسیر و مرگ ناگهانی و مرض خوره است.

۷- بازار سلام کساد می شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۱۴۶ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: ساعت ظهور امام عصر فرا نمی رسد مگر هنگامی که مسجدها محل رفت و آمد قرار گیرد و به یکدیگر سلام نکنند مگر اینکه با هم آشنا باشند و زنان با شوهران خود مشغول تجارت شوند.

۸- مرض وبا دامنگیر مردم می شود: در غیبت نعمانی ص

۲۷۷ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: پیش از قیام قائم (عج) مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخهای سرخ رنگ پیدا می‌شوند، که مرگ سرخ خون ریزی و کشت و کشتار است و مرگ سفید وبا است.

۹- خون ریزی زیاد می‌شود: در الزام الناصب جلد ۲ ص ۱۸۴ از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: یکی از علامات ظهور آن است که خون ریزی زیاد شود (یعنی خون مردم احترام ندارد).

۱۰- مردم بی رحم و سنگدل باشند: در روضه کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: یکی از علائم ظهور امام عصر (عج) آن است که مردم بی رحم و سنگدل می‌شوند.

۱۱- دین به دنیا فروخته می‌شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۳۰ روایت شده که یکی از علائم ظهور این است که بعضی از مردم دین خود را به دنیا می‌فروشند.

۱۲- سخن چینی و جاسوسی رواج یابد: در غیبت نعمانی ص ۲۷۸ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: پیش از آمدن حضرت مهدی (عج) سالهای سال می‌گذرد که در آن درغگو را راستگو می‌خوانند و راستگو را درغگو می‌پندارند و در آن زمان سخن چین و جاسوس عزیز و محترم است.

۱۳- حفظ دین از سخت‌ترین حالات است: در کنز العمال جلد

۱۴ ص ۲۲۱ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: زمانی بر مردم بیاید که نگهداشتن دین مانند نگه داشتن آتش در کف دست باشد.

و در حدیث دیگری فرمود: در آخر الزمان، عبادت کننده جاهل و قرآن خوان فاسق خواهد بود.

۱۴- منافق عزیز و مؤمن ذلیل باشد: در بحار جلد ۵۲ ص ۲۶۲ جابر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود: مثل شما در امروز مثل برگ است که خار ندارد و بعد از صد و چهل سال برگ و خار با هم باشد و بعد از دوست سال خار هست ولی برگ نیست و آن زمانی است که پادشاه ستمگر روی کار می آید و افرادی چون ثروتمند بخیل، عالم دنیا دوست، فقیر دروغگو، پیرمرد فاسق، بچه های بی حیا، زن گول خور و بی عقل، به چشم می خورند.

در این هنگام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخت به گریه افتاد. سلمان عرضه داشت: یا رسول الله اینها چه وقتی خواهد بود؟

فرمود: ای سلمان اینها هنگامی خواهد بود که علماء شما کم و قاریان قرآن بروند و مردم زکات را ندهند و منکرات را فاش سازند و صدایشان در مسجد بلند شود دنیا را روی سر گذاشته و علم را زیر پا گذارند و دروغ گفتن حرف عادی و روزمره شان باشد و غیبت کردن میوهی آنها و حرام سرمایه شان باشد، بزرگان شان بر خردسالان رحمی ندارند و خردسالان نیز احترامی برای بزرگسالان قائل نمی شوند. در این هنگام است که خداوند

آنها را لعنت می‌کند و جنگ را بین آنها قرار می‌دهد که در این هنگام از دین فقط اسم آن باقی است و جز لقلقه زبان چیز دیگری نیست.

پس هرگاه چنین خصلت‌هایی در میان مردم پیدا شد منتظر باد سرخ و یا به شکل سگ و خوک درآمدن و یا سنگباران باشند. در این هنگام عده‌ای از اصحاب برخواسته و عرضه داشتند: یا رسول الله خبر ده ما را که این امور در چه وقتی واقع خواهد شد؟ فرمود: هرگاه مردم نماز را از وقت خود تأخیر انداختند و از شهوات پیروی کردند. و شراب خوردند و پدر و مادرها را دشنام دادند و حرام را سرمایه خود قرار دادند و زکات دادن را ضرر دانستند و از زنان خود پیروی کردند و به همسایه‌ها اذیت روا داشتند و با خویشان خود قطع رابطه کردند و بزرگانشان بر کودکان رحم نکردند و بچه‌ها نسبت به بزرگسالان بی‌حیا شدند و ساختمانهای بلند بنا کردند و نسبت به خدمتگزاران ستم روا داشتند و به پدر و مادر ناسزا گفتند و نسبت به برادر حسادت ورزیدند و شریکان به هم خیانت کردند، مهر و وفا کم و زنا شایع گردید و مردان به لباس زنان زینت کنند و پرده و چادر حیا از زنان برداشته شود، تکبر در دلها سرایت کند مانند سرایت کردن زهر در بدنها، معروف کم شود و ظلم ظاهر گردد. گناهان بزرگ را کوچک پندارند و اگر کسی از کسی مدح و ثنا کند به خاطر مال او باشد و مال در لهو و لعب مصرف کرده، به دنیا مشغول و از آخرت روی گردان خواهند شد و خدا ترسی کم و

کشت و کشتار زیاد گردد، مؤمن ذلیل و منافق عزیز باشد، مساجدشان فقط با اذان آباد ولی دلهایشان از ایمان خالی باشد و قرآن در نزد آنها احترام نداشته باشد.

در آن هنگام مردم در صورت به شکل آدم هستند لیکن قلبشان قلب شیاطین است، کلامشان مانند عسل شیرین ولی قلبشان از حنظل تلخ تر است و در واقع اینها گرگهایی هستند که در لباس انسان زندگی می کنند.

روزی نیست مگر اینکه خداوند می فرماید: آیا به من مغرورید و یا بر من جرأت می کنید؟ آیا گمان می کنید که من شما را عبث و بیهوده خلق کرده و شما به سوی من باز نخواهید گشت؟!

به عزّت و جلالم قسم، اگر نبود به خاطر کسانی که مرا از روی اخلاص عبادت می کنند هر آینه معصیت کار را مهلت نمی دادم و نیز اگر به خاطر بندگان پرهیزکارم نبود یک قطره باران از آسمان نازل نمی کردم و یک برگ سبزی نمی رویاندم. و چه جای تعجب است که گروهی خدایشان اموالشان می باشد و آرزوی طولانی و عمر کوتاه دارند و طمع مجاورت مولای خود دارند و حال آنکه به این مقامات نمی رسند مگر به عمل کردن و عمل نیز تمام نمی شود مگر به عقل.

۱۵- بعضی از مردم، دین داران را نفهم و ساده لوح می پندارند: در کافی جلد ۲ ص ۱۱۷ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: زود است بیاید بر مردم زمانی که نجات

نیابد صاحب دینی مگر اینکه مردم گمان کنند او کم عقل و نفهم است و باید تحمل کند اگر به او بگویند عقل نداری.

۱۶- سرمایه داران از اذان گفتن عار دارند: در تهذیب جلد ۲ ص ۲۸۲ امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: زمانی بیاید که مردم اذان گفتن را برعهده ضعیفان و بیچارگان قرار دهند (و سرمایه داران از اذان گفتن عار داشته باشند) خداوند هم گوشت آن ضعیفان را بر آتش حرام گرداند.

۱۷- در آخر الزمان دعا مستجاب نمی شود: در روضه کافی جلد ۸ ص ۳۶۰ و بحار جلد ۵۲ ص ۱۹۰ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: زود است بیاید بر امت من زمانی که ظاهر خوب و باطنی بد داشته باشند و دینشان ریایی باشد نه از برای خدا و ترسی از خدا ندارند، خداوند هم آنها را کیفر نماید به گونه ای که هر چه خدا را بخوانند خداوند دعایشان را مستجاب نفرماید.

۱۸- عالم در میان مردم احترام ندارد: در جامع الاخبار ص ۱۳۰ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودم: زود است بیاید بر امت من زمانی که مردم فرار کنند از علماء همچنان که گوسفند از گرگ فرار می کند و هرگاه چنین شد خداوند آنها را به سه چیز مبتلا می کند:

۱- برکت را از مالشان برمی دارد.

۲- پادشاه ستمگر را بر آنها مسلط می کند.



۳. هنگام مردن بی ایمان از دنیا می روند.

۱۹- مردم بین خوب و بد فرق نمی گذارند: مرحوم مقدس اردبیلی در حدیقه الشیعه و شیخ حرّ عاملی در اثنی عشریه و حاج شیخ عباس قمی در سفینه البحار جلد ۲ ص ۵۷ و طاوئی در ملاحم از سید مرتضی رازی و او از ابی هاشم جعفری روایت می کند که می گوید: امام عسگری علیه السلام فرمود: ای ابا هاشم زود است بیاید زمانی که مردم به ظاهر، صورتشان خندان است ولی دلهای آنها تاریک و گرفته باشد، سنت در ایشان بدعت و بدعت در ایشان سنت باشد، مؤمن در بین ایشان حقیر و فاسق در میان آنها محترم است.

فرمانروایان ایشان ستمگر و علماء ایشان با ستمگران در ارتباطند، سرمایه داران ایشان توشه و خرجی فقراء را به غارت برند (یعنی زکات و صدقه ندهند) بچه ها به بزرگان در امور پیشی گیرند و هر جاهل و نادانی در نزد آنها دانا و هر حيله گری نزد آنها فقیر محسوب می شود و خوب و بد را تمیز نمی دهند. علماء آنها بدترین خلق خدایند در روی زمین به خاطر اینکه به فلسفه و صوفی گری تمایل دارند، به خدا قسم چنین افرادی از دشمنان ما و اهل انحراف هستند.

اینها کسانی هستند که مخالفین ما را شدیداً دوست می دارند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می کنند.

اگر به منصبی برسند از رشوه گرفتن سیر نشوند و چنانچه خوار شوند خدا را از روی ریا عبادت کنند، آگاه باشید که

اینان راهزن مؤمنین هستند و مردم را به روش کفار دعوت می‌کنند، پس هر کس ایشان را درک کرد باید بترسد و دین خود را از خطر آنها حفظ نماید.

سپس فرمود: ای ابا هاشم این حدیثی بود که پدرم از پدرانش از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند و این از اسرار ما است آن را حفظ کن و جز به اهلش آشکار نساز.

۲۰- حرامها را حلال بدانند: در بحار جلد ۹۶ ص ۳۰۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: بیاید زمانی که فاحشه گری رواج یابد تا جایکه کسب و کار قرار گیرد و زنا علنی و آشکار گردد و از خوردن مال یتیم باک نداشته باشند و رباخواری و کم فروشی حلال و رایج باشد و مشروبات الکلی را به نام آب انگور بخورند و حرام ندانند و رشوه خواری را هم به نام هدیه حلال بدانند و خیانت کنند به اسم امانت و زن شبیه مرد و مرد شبیه زن گردد و به نماز اهمیتی ندهند (یعنی آخر وقت بخوانند و در فکر مکان و لباس غصبی نباشند) و اگر کسی حجّی انجام دهد برای خدا نباشد و در آن زمان ماه شب اول مانند شب دوّم قطور جلوه می‌کند و گاهی هم مخفی می‌شود (به گونه‌ای که) اوّل رمضان مردم افطار کنند و در اوّل ماه شوال به خیال آخر ماه رمضان روزه بگیرند.

پس اگر در چنین زمانی قرار گرفتید، از خدا بترسید که مبادا خداوند شما را غافلگیر کند (و فرصت توبه از شما گرفته شود) به جهت آنکه در چنین زمانی مرگ ناگهانی زیاد شود و مردم

ناگهانی بمیرند، در آن زمان کسی شب سالم است ولی صبح دفن می شود و یا صبح سالم است ولی شب دفن می شود. پس هرگاه چنین زمانی فرا رسید واجب است وصیت را بر کارهای خود مقدم بدارید پیش از آنکه به بلا مبتلا گردید. و نیز واجب است که نماز را اول وقت بخوانید چون نمی دانید که تا آخر وقت زنده هستید یا مرده.

پس اگر شما چنین زمانی را درک کردید، شب بدون وضو نخوابید و اگر می توانید همیشه با وضو باشید. چون انسان نمی داند چه وقت اجلش فرا می رسد و ملک الموت به سراغش می آید.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام در پایان فرمود: من شما را ترسانیدم اگر بترسید و شناسانیدم اگر بشناسید و موعظه کردم اگر قبول نمایید. پس از خدا بترسید در ظاهر و باطن و مواظب باشید از دنیا نروید مگر مسلمان، چون هر کس از دنیا برود ولی در واقع ملسمان نباشد و چیز دیگر غیر از اسلام را بخواند از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است.

۲۱- دین داری سخت می شود: مرحوم شیخ بهایی در اربعین خود ص ۱۳۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود: بیاید زمانی بر مردم که دین داری سخت می شود تا جایکه سالم نماند برای صاحب دین دینش مگر اینکه فرار کند از کوهی به کوهی و از سوراخی به سوراخی مانند روباه که بچه اش را برداشته و فرار می کند.

گفتند: یا رسول الله چه وقت این زمان فرا می‌رسد؟
فرمود: وقتی که زندگی تأمین نشود مگر از راه معصیت پس
در آن وقت عذاب بودن حلال می‌شود.

گفتند: یا رسول الله شما ما را امر کردید به تزویج!
فرمود: بلی لیکن در آن زمان هلاکت به دست پدران و
مادرانشان خواهد بود و اگر پدر و مادر نداشته باشند به دست
زنان و اولادشان خواهد بود و اگر زن و اولاد نداشته باشند به
دست خویشان و همسایگان‌شان خواهد بود.

گفتند: چگونه خواهد بود کیفیت هلاکت آنها در آن زمان؟!
فرمود: سرزنش می‌کنند افراد را به تنگی معیشت و وادارشان
می‌کنند به تهیه چیزی که طاقت فرسا است و تهیه آن موجب
هلاکت است.

۲۲- دنیا را بر دین مقدم می‌دارند: در تحف العقول ص ۳۷
از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید بر مردم زمانی
که اگر دینشان آسیب ببیند باکی نداشته باشند، به شرط اینکه
دنایشان سالم بماند (یعنی دنیا را بر دین مقدم می‌دارند).

۲۳- در ساختمان سازی بر یکدیگر افتخار می‌کنند: در کنز
العمال ج ۱۴ ص ۲۴۴ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که
فرمود: یکی از علامات ظهور حضرت مهدی (عج) آن است
که مردم در ساختمان سازی و بنای آن به هم افتخار می‌کنند.

۲۴- دین را به دنیا می‌فروشند: در کنز العمال ج ۱۴ ص

۲۱۵ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: پیش از ساعت ظهور، فتنه‌هایی ظاهر شود که تاریکی آن مانند تاریکی شب باشد به گونه‌ای که مرد مؤمن صبح مؤمن باشد ولی شب کافر گردد و یا شب مؤمن باشد ولی صبح کافر گردد، در این زمان عده‌ای دین خود را به متاع اندک دنیا می‌فروشند.

۲۵- زنها لباس بدن نما می‌پوشند: در کتاب مستدرک حاکم جلد ۴ ص ۴۳۶ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود: در آخر الزمان زنها پوشیده و برهنه هستند (یعنی لباس بدن نما می‌پوشند که در ظاهر لباس پوشیده به نظر می‌رسند ولی در واقع مثل اینکه برهنه‌اند) و موهای سرشان را مانند کوهان شتر درست می‌کنند وقتی چنین زنهایی را دیدید آنها را لعن کنید که آنها ملعونند.

و در حدیث دیگری فرمود: بیاید زمانی که زنها قبله مردها باشند (یعنی در راه رفتن پیشاپیش مردها باشند و یا اینکه مردها از آنها پیروی می‌کنند).

۲۶- روز به روز زندگی بدتر می‌شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۵۴ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید بر شما زمانی که سال به سال و روز به روز زندگی بدتر می‌شود (یعنی روز خوشی نخواهید دید).

و در حدیث دیگری فرمود: هیچ سالی نیست مگر اینکه خیر کم و شر زیاد گردد.

۲۷- عافیت و سعادت در کناره‌گیری و سکوت است: در بحار جلد ۷۱ ص ۲۷۹ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید زمانی که عافیت ده جزء باشد نه جزء آن در کناره‌گیری از مردم و یک جزء آن در سکوت است.

۲۸- پول حلال کم یاب می‌شود: در کتاب کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۴۹ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بر پا نشود ساعت ظهور امام عصر (عج) مگر اینکه خداوند سه چیز را عزیز و کمیاب کند:

۱- پول حلال ۲- علم با فایده ۳- برادر دینی که برای خدا با هم برادر باشند.

۲۹- مردم در آخر الزمان آرزوی مرگ می‌کنند: در مستدرک جلد ۴ ص ۵۱۸ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید بر شما زمانی که هرگاه یکی از شما به قبرستانی برود و بر سر قبر برادر دینی خود حاضر شود دست بر قبر گذاشته می‌گوید: ای کاش من به جای تو بودم.

۳۰- فقهاء دوره آخر الزمان مطابق میل خود فتوی می‌دهند: در کتاب الزام الناصب جلد ۲ ص ۱۸۵ از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: علماء آخر الزمان مطابق میل خود فتوی می‌دهند.

۳۱- در دوره آخر الزمان از اسلام و قرآن فقط اسم و رسم آن باقی می‌ماند: در روضه کافی حدیث ۴۷۹ و بحار جلد ۱۸ ص ۱۴۶ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از جدش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت

کرده که فرمود: بیاید بر امت من زمانی که باقی نماند از قرآن مگر رسمش و از اسلام مگر اسمش (یعنی به دستورات قرآن و اسلام عمل نمی‌شود) و مردم خود را مسلمان می‌دانند در حالی که دورترین مردمند از اسلام. مساجدشان آباد ولی از هدایت خراب است. فقهای آن زمان بدترین فقهاءاند در زیر آسمان، از ایشان فتنه برخیزد و بسوی خودشان برگردد.

۳۲- در آخر الزمان عمرها کوتاه می‌شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۴۴ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: یکی از علائم ظهور امام زمان (عج) آن است که عمر بشر کوتاه می‌شود.

۳۳- فحش دادن رواج پیدا می‌کند: در مستدرک حاکم جلد ۴ ص ۵۱۳ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: ساعت ظهور امام عصر (عج) هنگامی خواهد بود که فحش دادن رواج پیدا کند.

۳۴- قاریان قرآن به قرآن عمل نمی‌کنند: در مستدرک حاکم جلد ۴ ص ۴۵۷ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید بر مردم زمانی که قرآن بخوانند ولی از حنجره آنها فراتر نرود (یعنی صرف خواندن باشد نه عمل کردن).

۳۵- کشت و کشتار زیاد شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۳۸ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) هرج بوجود می‌آید. گفتند: یا رسول الله

هرج چیست؟ فرمود: کشت و کشتار و آن کشتن کفار نیست بلکه کشتن امت من است. بعضی بعض دیگر را تا جاییکه مردی با برادرش ملاقات می کند و او را می کشد.

۳۶- گناهان کبیره رائج می شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۲۶ حدیفه از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود: هر وقت این امت شراب خوردن را حلال بدانند و نزول خواری را جزء خرید و فروش به حساب آورند و رشوه را هدیه پندارند و بازکات تجارت کنند، آن وقت است که هلاکت آنها به خاطر این گناهان زیاد می شود.

۳۷- جنگ بین یهود و مسلمین به اوج خود می رسد: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۰۸ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) بین مسلمانها و یهود جنگ سختی بوجود آید و مسلمین آنها را بکشند تا جاییکه اگر یک یهودی پشت سنگ یا درختی پنهان شود آن سنگ و درخت گوید: ای مسلمان و ای بنده خدا، این یهودی است که در پشت من پنهان گشته بیا و او را بکش، جز درخت غرقده که آن از درختان یهود است.

۳۸- مردم در آخر الزمان مرگ را بر زندگی ترجیح می دهند: در مستدرک حاکم جلد ۴ ص ۴۴۷ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: بیاید زمانی که مردم آرزوی مرگ کنند (یعنی زندگی به گونه ای سخت و دشوار می شود که مرگ را بر

زندگی ترجیح می دهند.)

۳۹- عراق در شرایط سختی قرار می گیرد: در ارشاد مفید ص ۲۶۱ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: مردم عراق را ترس و وحشتی فرا بگیرد که هیچ راه گریزی نداشته باشند.

۴۰- زمستان گرم می شود: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۴۵ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: یکی از علامات ظهور امام عصر (عج) آن است که زمستان گرم می شود.

۴۱- در آخر الزمان زنها به منبر می روند: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۶۱۳ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: یکی از علامات خروج دجال آن است که زنها به منبر می روند و خود را به مردان شبیه می سازند و مردها هم خود را به زنان شبیه می سازند.

فصل ششم

در آخر الزمان اموری که نباید انجام شود انجام می شود جناب حجة الاسلام حاج شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب مهدی منتظر اموری که نباید انجام شود ولی در دوره آخر الزمان انجام می شود را به طور فشرده از طریق اهل بیت مخصوصاً از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ جمع آوری کرده که توجه خوانندگان عزیز را به گوشه هایی از آن جلب می کنیم.

- ۱- در آخر الزمان دین و ایمان مردم سست می شود به گونه ای که دین را به دنیا می فروشند.
- ۲- دین پست شود و دنیا بلند گردد.
- ۳- مردم اگر دنیاشان سالم باشد هر چه از دینشان تلف شود پروا نداشته باشند.
- ۴- بدعتها ظاهر و زیاد گردد.
- ۵- حرام حلال و حلال حرام می شود.
- ۶- امر به معروف ترک شود و خوبان بدان را نهی از منکر نمی کنند.

۷- امر کننده به معروف ذلیل باشد.

۸- مؤمن قدرت نهی از منکر نداشته باشد مگر در دل خود.

۹- اگر کسی امر به معروف و یا نهی از منکر کند دیگران او

- را نصیحت می‌کنند و می‌گویند این کار در شأن تو نیست.
- ۱۰- مردم در اعمال خود ریا کار باشند.
 - ۱۱- گویندگان آنچه می‌گویند خود به آن عمل نمی‌کنند.
 - ۱۲- مردم سنگ دل می‌شوند و از چشمانشان اشک جاری نمی‌گردد.
 - ۱۳- در غیر اطاعت خدا بسیار خرج می‌کنند لیکن در راه خدا از کم آن هم دریغ دارند.
 - ۱۴- مالهایشان را در غیر اطاعت خدا صرف می‌کنند و کسی آنها را منع نمی‌کند.
 - ۱۵- مؤمن ذلیل و منافق عزیز باشد.
 - ۱۶- صاحب مال از مؤمن عزیزتر باشد.
 - ۱۷- مؤمن ساکت باشد و سخنش مقبول نباشد.
 - ۱۸- نماز را بمیرانند و اگر کسی بخواند برای خدا نباشد.
 - ۱۹- حج و جهاد را برای غیر خدا انجام دهند.
 - ۲۰- ثروتمندان حج را برای تفریح و افراد متوسط برای تجارت و فقراء برای خود نمایی انجام دهند (یعنی حج برای خدا صورت نمی‌گیرد)
 - ۲۱- مساجدشان را زینت می‌کنند لیکن دلهایشان از هدایت خراب است.
 - ۲۲- در مسجدها صدای موسیقی بلند می‌شود و کسی مانع آن نمی‌شود.
 - ۲۳- مسجدها را مجالس طعام و غذا قرار می‌دهند. (یعنی

مساجد تالار پذیرایی می شود.)

۲۴- شنیدن قرآن برای مردم سخت و سنگین ولی حرفهای باطل سهل و آسان باشد.

۲۵- قرآن را زینت و زیور نمایند (یعنی آن را زرکوب و کاغذش را عالی نمایند)

۲۶- قاریان قرآن زیاد ولی عامل به قرآن کم باشد.

۲۷- خدا را عبادت نکنند مگر در ماه رمضان.

۲۸- علم دین را برای غیر خدا فرا بگیرند.

۲۹- عالم در نزد مردم پست و فاسق عزیز و محترم باشد.

۳۰- مردم از علماء فرار می کنند همچنانکه گوسفند از گرگ فرار می کند.

۳۱- فقهای هدایت کم و فقهای گمراهی و خیانت بسیار باشد.

۳۲- فقیه فقه را برای دین فرا نمی گیرد بلکه هدفش از آن ریاست و رسیدن به دنیا است.

۳۳- فقهای آن زمان مطابق میل فتوی می دهند و آنها بدترین خلق خدایند.

۳۴- علمای آن زمان به تصوف و فلسفه روی می آورند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می کنند و اگر به منصبی برسند از گرفتن رشوه سیر نمی شوند.

۳۵- در منابر و سخنرانیهای خود مردم را به تقوا دعوت می کنند لیکن خود آنچه می گویند عمل نمی کنند.

- ۳۶- کمترین چیزی که پیدا می‌شود پول حلال است (یعنی پول حلال کمیاب است).
- ۳۷- نزول خواری را حلال شمارند و تجارتشان بر اساس نزول خواری باشد.
- ۳۸- تاجرها و صنعت‌گران در کسب و کار خود دروغ بگویند و با شریکان خود به خیانت رفتار نمایند.
- ۳۹- زنان در کسب و کار و تجارت با شوهران خود برای حرص مال دنیا همکاری نمایند.
- ۴۰- ریاست را برای رسیدن به دنیا و فخر فروشی بر یکدیگر دنبال کنند.
- ۴۱- زمامداران برای صادر کردن حکم، رشوه گیرند.
- ۴۲- بیت المال را در امور حرام و غیر مشروع صرف کنند.
- ۴۳- افراد ناآگاه و بی اطلاع بر اوضاع مسلط می‌شوند.
- ۴۴- زنان در امور حکومتی و کشوری وارد گردند و بر مردان غالب آیند.
- ۴۵- قاضیان بر خلاف امر خداوند قضاوت نمایند و از مردم برای قضاوتی که می‌کنند رشوه می‌گیرند.
- ۴۶- فقیر آخرت خود را به دنیا می‌فروشد.
- ۴۷- فقیر در بین مردم ذلیل و حقیر باشد.
- ۴۸- قمار بازی در بین مردم رواج و حلال گردد.
- ۴۹- ساز و آواز و رقص و موسیقی در بین مردم رایج و حلال گردد.

۵۰- دروغ حلال و بازار روز گردد و راستگو کم یاب شود.
۵۱- دروغگو را تصدیق و راستگو را تکذیب نمایند.
۵۲- خونریزی زیاد شود به گونه‌ای که بعضی‌ها را از روی عداوت بکشند.

۵۳- اجتماع مردم از هم پاشیده و گروه گروه می‌شوند و از کسی حمایت می‌کنند که اوضاع در دست اوست.

۵۴- قصرهای محکم و زیبا بنا می‌کنند و بر سواری‌های شیک و تند رو سوار می‌شوند. و مردان خود را مانند زنان آرایش می‌کنند و به طلا و لباس حریر زینت می‌کنند.

۵۵- ارتباط فامیلی قطع و با منت رفت و آمد می‌کنند.
۵۶- بچه‌ها به پدر و مادر خود آشکارا فحش می‌دهند و ناسزا می‌گویند.

۵۷- همسایه همسایه را اذیت می‌کند و کسی او را منع نمی‌کند.

۵۸- امانت داری کم و خیانت زیاد گردد.
۵۹- اگر کسی کسی را مدح کند به خاطر خدا نیست بلکه به خاطر پول و مال دنیا است.

این بود گوشه‌ای از علائم ظهور امام زمان (عج) که در آخر الزمان اتفاق می‌افتد.

و نیز لازم به تذکر است که اگر در برخی از روایات آمده که مردم در آخر الزمان اینگونه می‌شوند و یا این چنین می‌کنند معنی آن نیست که باید بشود بلکه معنی آن این است که این

امور نباید بشود اما می‌شود.

مانند حلال شدن دروغ و قمار بازی و امثال آن که هر کدام گناهی بس بزرگ و غیر قابل انکار است و انسان باید از ارتکاب آن خودداری کند.

مثلاً در حرمت دروغ همین قدر بس که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد تا وقتی که دروغ را ترک کند چه شوخی و چه جدی.

و نیز درباره قمار مخصوصاً شطرنج بازی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نگاه به شطرنج نگاه به عورت مادر است و اگر کسی دست به شطرنج بزند مانند آن است که دست خود را به گوشت خوک زده و باید آب بکشد.

این بود توضیح بعضی از اموری که نباید اتفاق بیفتد ولی می‌افتد.

امید است برادران اسلامی در دروه آخر الزمان متوجه وظیفه خود اعم از واجبات و محرمات باشند و برای اطلاع بیشتر از انجام وظایف می‌توانند به کتاب آشنایی و انس با قرآن مراجعه فرمایند.

این بود پاره‌ای از علائم ظهور بسیار دور امام عصر (عج) لیکن علائم دیگری هست که آن را علائم حتمیه و نزدیک ظهور آن حضرت می‌دانند و آنها عبارتند از:

- ۱- خروج دجال ۲- خروج سفیانی ۳- خروج یمانی ۴- خروج خراسانی ۵- خروج سید حسنی ۶- کشته شدن نفس زکیه

بخش سوم

علائم حتمیه ظهور امام عصر (عج)

شامل

- خروج دجال
- خروج سفیانی
- خروج یمانی
- خروج خراسانی
- خروج سید حسنی
- گشته شدن نفس زکینه
- رفتار امام عصر با مردم در زمان ظهور

فصل اول

خروج دجال

۱- آشنایی با دجال: در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۸۲ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: هیچ پیغمبری نیست جز اینکه امت خود را از او ترسانیده و من هم شما را از او می ترسانم به گونه ای که هیچ پیغمبری امت خود را اینگونه نترسانیده، به درستی که او یک چشم دارد و خدا یک چشمی نیست و در پیشانی او نوشته شده کافر، که هر مؤمنی می تواند بخواند.

۲- علائم خروج دجال: و در کنز العمال جلد ۱۴ ص ۲۹۵ آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: قبل از خروج دجال سه سال سخت باشد و مردم در گرسنگی سختی به سر خواهند برد و خداوند به آسمان امر می کند که سال اول $\frac{۱}{۳}$ و سال دوم $\frac{۲}{۳}$ و سال سوم همه باران قطع شود و به زمین نیز امر می کند که سال اول $\frac{۱}{۳}$ و سال دوم $\frac{۲}{۳}$ و سال سوم تمام گیاهان خشک شوند. عرضه داشتند یا رسول الله پس مردم در آن زمان چگونه زنده خواهند بود؟ فرمود: به گفتن ذکر تسبیح و تکبیر و تهلیل و تحمید و این ذکرها به جای طعام ایشان خواهد بود.

۳- پیروان دجال همه یهودی هستند: در کنز العمال جلد

۱۴ ص ۲۹۴ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: هفتاد هزار یهودی از دجال متابعت می‌کنند که همه آنها با شمشیرهای طلایی هستند، پس وقتی که نظر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به او می‌افتد مانند نمک که در آب ذوب می‌شود، آب می‌گردد و پا به فرار می‌گذارد.

حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: من باید یک ضربتی به تو بزنم که قبل از من کسی به تو نزده باشد، پس نزد درب لد که قریه‌ای است نزدیک بیت المقدس او را می‌کشد و به این ترتیب خداوند یهود را نابود می‌سازد تا جاییکه تمام موجودات به جز درخت غرقده که درخت یهود است همه به زبان آیند و گویند که ای مسلمان این یهودی در من مخفی گشته بیا و او را بکش.

فصل دوم

خروج سفیانی

۱- آشنایی با سفیانی: در البرهان متقی ص ۱۱۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: سفیانی از اولاد خالد بن یزید بی ابی سفیان است و مردی است که سر بزرگ دارد و در صورتش علامت آبله هست و در چشمش علامت سفیدی مشاهده می شود و از طرف دمشق خروج می کند. و در حدیث دیگری فرمود: سفیانی پسر هند جگر خوار است. اسمش عثمان، پدرش عنبسه و از اولاد ابی سفیان است مردی است که قدش متوسط و سرش بزرگ و در صورتش اثر آبله پیدا است و وقتی او را می بینی خیال می کنی که یک چشم دارد، یعنی صورت نحسی دارد و یا از یابس می باشد و می آید تا به کوفه می رسد و در کوفه بالای منبر می رود.

۲- سفیانی کوفه را با خاک یکسان می کند: در ملاحم ص ۵۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: سفیانی به لشگرش دستور می دهد که وارد کوفه گشته و آنجا را با خاک یکسان کنید، سپس به فرمانده لشگرش دستور می دهد به سوی مدینه رهسپار شوید و از قریش و از انصار چهار صد مرد را بکشید و شکمهایشان را پاره کنید...

و در حدیث دیگری فرمود: سفیانی به لشکرش دستور می‌دهد در مدینه با هر کس از بنی هاشم برخورد کردید او را بکشید حتی زنهای حامله و بار دار آنها را نیز به قتل برسانید و در مدینه کار به جایی می‌رسد که مردم همگی از زن و مرد فرار می‌کنند و به صحرا و کوهها و مکه پناه می‌برند.

۳- سرانجام سفیانی به کیفر کردار خود خواهد رسید: در الامام المهدی جلد ۱ ص ۵۸ از ابی زید روایت شده که می‌گوید: وقتی سفیانی لشکرش وارد مدینه شدند اهل آنجا را می‌کشند و اسیر می‌کنند و می‌سوزانند پس قبر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قبر زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را نبش قبر می‌کنند و هر کس که اسمش محمد و فاطمه است او را در مقابل درب مسجد اعدام می‌کنند. در آن هنگام غضب خدا شدت پیدا کرده همه آنها را به زمین فرو می‌برد.

فصل سوم

خروج یمانی

۱- یمانی یکی از یاران حقیقی حضرت مهدی (عج) است: در کتاب غیبت نعمانی ص ۲۵۵ و بحار جلد ۵۲ ص ۲۲۲ از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود، مانند دانه تسبیح یکی پس از دیگری. و از هر طرف سختی و جنگ است. و وای بر کسی که با ایشان مقابله کند. و در پرچمها پرچمی با هدایت تر از یمانی نیست، چون او شما را به سوی حضرت مهدی (عج) دعوت می کند و هر وقت یمانی خروج کرد فروش اسلحه بر مردم و هر مسلمانی حرام می شود.

پس هرگاه یمانی خروج کرد به سوی او بروید که پرچمش پرچم هدایت است و حلال نیست بر مسلمانی که با او معارضه و جدال نماید، که اگر کسی از در جدال با او وارد شود اهل آتش خواهد بود، چون دعوتش بسوی حق و راه راست می باشد.

۲- سفیانی و یمانی ضد یکدیگرند: در غیبت نعمانی ص ۳۰۵ هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: یمانی و سفیانی مانند دو اسب مسابقه هستند (یعنی ضد یکدیگرند، سفیانی در طریق باطل و یمانی در طریق حق می باشد)

فصل چهارم

خروج خراسانی

۱- تأکید امام باقر علیه السلام بر خروج خراسانی: در غیبت نعمانی ص ۲۷۳ از معروف بن خربوذ روایت شده که می گوید: هرگاه ما بر امام باقر علیه السلام وارد می شدیم می فرمود: خراسان خراسان، سبحستان سبحستان، مثل اینکه به ما بشارت می داد.

۲- قیام و خروج خراسانی از چین به سوی عراق: در الزام الناصب جلد ۲ ص ۱۶۰ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه قیام کننده ای قیام کند به خراسان همان کسی است که از چین و ملتان به خراسان می آید و سفیانی در برابر او لشگر کشی می کند ولی بر او غالب نخواهد شد چون قیام کننده دیگری هم به طرفداری خراسانی از گیلان بر می خیزد و همگی بر سفیانی هجوم می کنند، در این هنگام مردم ابر و دیلم هم به نفع فرزندان حضرت مهدی (عج) به او ملحق می شوند و خراسانی به سمت عراق حرکت می کند و بصره را خراب و کوفه را آباد می کند.

از این حدیث چنین استفاده می شود که خراسانی، خراسانی اصل نیست بلکه بعد از خروج و تسخیر چین و ملتان که از نواحی هند است، عبورش از خراسان است.

فصل پنجم

خروج سید حسنی

در بحار جلد ۵۳ ص ۱۵ مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: حسنی خروج می کند و آن جوانی است زیبا و خوششرو، که از ناحیه دیلم خروج می کند و با صدای بلند می گوید: ای آل احمد اجابت کنید ملهوف (ملهوف یعنی ستم دیده) پس ندای او را اجابت می کنند گنجهای الهی در طالقان و این گنجها از طلا و نقره نیست بلکه مردانی هستند مانند پاره آهن که بر اسبهای سفید که لکه سیاه هم دارند سوار می شوند و مسلحانه به جنگ و نبرد با ستمکاران می پردازند و آنها را می کشند تا به کوفه می رسند و کوفه را برای سید حسنی پناهگاه قرار می دهند.

در این هنگام خبر ظهور حضرت مهدی (عج) به سید حسنی و یارانش می رسد و یارانش خطاب به او می گویند: ای پسر پیغمبر این کیست که به این سرزمین آمده؟ حسنی می گوید: مرا ببرید بسوی او تا ببینم کیست و چه می خواهد.

امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل فرمود: ای مفضل به خدا قسم حسنی می داند که او مهدی است و می شناسد او را ولی می خواهد از این طریق او را به اصحابش معرفی کند.

پس حسنی می رود بسوی مهدی (عج) و می گوید: اگر مهدی آل محمد هستی پس کو عصای جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و لباس و انگشتر و زرهش که فاضل نام دارد و عمامه سحابش و

اسب یربوعش و شتر غضبایش و قاطر دلدل و الاغ یعفور و نجیب براقش و قرآن امیر المؤمنین علیه السلام.

پس امام عصر (عج) همه اینها را به او نشان می دهد و عصا را در سنگ سختی فرو می برد و آن مانند درخت سبز می شود و برگ می دهد. و حسنی هم از این خواهشها هیچ اراده ای ندارد جز اینکه می خواهد یارانش را از فضائل حضرت مهدی (عج) مطلع سازد و با او بیعت نمایند.

پس حسنی با دیدن این حقایق می گوید: الله اکبر ای پسر رسول خدا، دستت را بده تا با تو بیعت نمایم. پس حضرت دست مبارکش را دراز می کند و حسنی با او بیعت می کند و لشگریانش (که در حدود دوازده هزار نفر هستند) همه با او بیعت می کنند مگر چهل هزار که دارای مذهب زیدیه هستند و آنها را اصحاب مصحف می خوانند یعنی کسانی که همیشه قرآن با خود دارند. اینها بیعت نمی کنند و می گویند اینها سحر و جادو است، در این هنگام لشگریان حسنی دو بخش می شوند، (عده ای موافق و عده ای مخالف) و امام عصر (عج) به مدت سه روز نصیحت و موعظه می کند لیکن در آنها کمترین اثری نمی گذارد، الا اینکه بر کفر و الحاد آنها افزوده می شود. پس حضرت امر می کند به کشتن آنها و همه آنها را می کشد و امر می کند قرآن ها را از آنها جدا نکنید تا در روز قیامت موجب حسرتشان گردد. همانگونه که تحریف کردند و به آن عمل نکردند. (۱)

فصل ششم

کشته شدن نفس زکیه

کشته شدن نفس زکیه یکی از علامات حتمیه است که در الزام الناصب جلد ۲ ص ۱۴۸ به نقل از کشف الغمّه روایت شده که یکی از علامات حتمیه کشته شدن نفس زکیه است که با هفتاد نفر از صالحین ظهور می کند

نفس زکیه به دستور حضرت مهدی (عج) قیام می کند: در کمال الدین جلد ۲ ص ۳۳۰ روایت شده که نفس زکیه جوانی پاک از نسل آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به نام محمد بن حسن که امام عصر (عج) او را برای یاری طلبی به مکه اعزام می کند و او به مکه می آید و پیام امام عصر (عج) را به مردم ابلاغ می کند، لکن دشمنان او را بدون هیچ گناهی بین رکن و مقام می کشند و سرش را از بدن جدا می کنند و ۱۵ روز بعد از این حادثه حضرت مهدی (عج) قیام می کند. (۱)

فصل هفتم

رفتار امام عصر (عج) با مردم در زمان ظهور

۱- اولاد قاتلین امام حسین علیه السلام را می‌کشد

هروی از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: وقتی امام زمان (عج) ظهور کند فرزندان قاتلین امام حسین علیه السلام را می‌کشد چون به عمل پدران خود راضی و خشنودند و به آن افتخار می‌کنند، و هر کس به چیزی راضی شود مانند آن است که خود او انجام داده چنانچه در شرق دنیا قتلی واقع شود و کسی در مغرب با شنیدن آن شاد شود، خداوند او را در آن قتل شریک می‌سازد.

۲- کسانی را که زکات نداده‌اند می‌کشد: در کتاب قرب الاسناد از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: امام زمان (عج) وقتی ظهور کند به سه چیز حکم کند که تا آن روز کسی چنین حکمی نکرده باشد:

۱- پیرمرد زناکار را می‌کشد.

۲- کسی که زکات مالش را نداده گردن می‌زند.

۳- میراث برادر را به برادری می‌دهد که در عالم ارواح برادر بوده‌اند نه در این عالم.

۳- کفار را به اشد مجازات گرفتار می‌کند: امام صادق علیه السلام

به معاویه و هنی فرمود: ای معاویه مردم در تفسیر این آیه چه می گویند: که می فرماید: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...» یعنی گناهکاران از چهره هایشان شناخته می شوند.

معاویه می گوید، گفتم: یعنی خداوند در قیامت گناهکاران را از چهره هایشان می شناسد و آنها را به آتش می اندازد.

امام عليه السلام فرمود: خداوند مخلوقاتی را که خود آفریده احتیاج ندارد که از طریق سیمایشان آنها را بشناسد بلکه تفسیر این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) است که وقتی ظهور کند، مردم را از صورت و سیمایشان می شناسد و امر می کند که کافران را از پیشانی و پاها بگیرند و به اشد مجازات برسانند.

۴- شیعه قوی و نیرومند می شود: امام سجاد عليه السلام فرمود: هنگامی که مهدی ما قیام کند خداوند آفت را از شیعیان ما بر می دارد و دلهای ایشان را چون پاره آهن قوی و محکم می کند (یعنی شجاع و نترس می شوند) و هر یک را به اندازه چهل مرد قوت و نیرو می دهد و اداره امور جامعه را هم به ایشان واگذار می کند.

۵- مناره ها و گنبد ها و گلدسته ها را خراب می کند: ابی هاشم جعفری از امام عسگری عليه السلام روایت کرده که فرمود: مهدی ما وقتی که ظهور کند مناره ها و قصرها که در مساجد می باشد خراب می کند زیرا که ساختن آنها بدعت است نه پیامبر

چنین ساختمانی را بنا کرده و نه امام معصوم علیه السلام.

۶- بنای مسجد الحرام را هم تغییر می‌دهد: ابا بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: مهدی ما بنای مسجد الحرام و مسجد الرسول را خراب کرده و تغییر شکل می‌دهد و بیت الله الحرام را از آنجا منتقل کرده و در جای اصلی خود بنا می‌کند و دستهای طایفه بنی شیبه را که دزدند می‌برد و بر دیوار کعبه آویزان می‌کند.

۷- سوره‌ها و آیات قرآن تغییر می‌کند: جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: حضرت مهدی (عج) هنگام ظهورش خیمه‌هایی سر پا می‌کند که در آن درس قرآن داده می‌شود و سخت‌ترین کارها در آن زمان حفظ قرآن است زیرا تألیف قرآن در آن زمان با زمان ما فرق دارد.

۸- معجزات انبیاء و پیامبران پیشین را ظاهر می‌سازد: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هفت نفر در زمان ظهور فرزندانم حضرت مهدی (عج) از او معجزه می‌خواهند: اول: یکی از آنها از ماوراء النهر است و معجزه الیاس را می‌خواهد.

امام علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» و روی آب راه می‌رود به گونه‌ای که کف پای او تر نمی‌شود.

آن مرد می‌گوید: این سحر و جادو بود معجزه نیست.

امام علیه السلام خطاب به آب می‌فرماید: او را بگیر، آب هم او را

گرفته و به مدت هفت روز نگه می‌دارد و در این مدت فریاد می‌زند: این است جزای کسی که امام زمان را انکار کند.

دوم: مردی از اهل اصفهان می‌آید و از او معجزه حضرت ابراهیم علیه السلام را می‌خواهد. امام علیه السلام هم می‌فرماید: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» و داخل آتش می‌شود و سالم بیرون می‌آید.

آن مرد می‌گوید: این عمل سحر و جادو بود. در این هنگام آتش او را می‌گیرد و می‌سوزاند و او فریاد می‌زند که این جزای آن کسی است که امام خود را انکار نماید.

سوم: مردی از شیراز می‌آید و معجزه حضرت موسی علیه السلام را از او می‌خواهد. امام علیه السلام هم آیه: «وَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» را می‌خواند و عصای خود را می‌اندازد و اژدها می‌شود. آن مرد می‌گوید: این عمل جز سحر و جادو چیز دیگری نبود. در این هنگام عصای اژدها شده او را می‌بلعد و سر و گردن او را بیرون می‌گذارد. آن مرد فریاد می‌زند که این جزای آن کسی است که امام خود را انکار کند.

چهارم: مردی از آذربایجان می‌آید در حالی که استخوانی به دست گرفته می‌گوید: معجزه حضرت موسی علیه السلام را می‌خواهم! امام علیه السلام آن استخوان را به سخن در آورده می‌گوید: ای امام زمان، من هزار سال است که در عذابم و از تو امید شفاعت دارم.

آن مرد می‌گوید: این سحر و جادو است معجزه نیست،

امام علیه السلام هم او را به دار زده و هفت روز هم بر روی دار می گوید: این جزای آن کسی است که امام زمان را انکار کند.
پنجم: مردی از اهل عمان بیاید و از آن حضرت معجزه حضرت داوود علیه السلام را بخواهد.

امام علیه السلام هم برای او آهن را نرم کند (همانگونه که حضرت داوود علیه السلام آهن برایش نرم می شد).

آن مرد گوید: این سحر و جادو بود و معجزه نبود. امام علیه السلام هم از آن آهن نرم طوقی بگردنش اندازد و آن مرد با آن طوق گردش کند و گوید: این است جزای کسی که امام زمان را انکار کند.

ششم: مردی از اتراک بیاید و گوید: کارد بر گلوی اسماعیل کار نکرد آیا شما هم می توانید چنین اعجازی نشان دهید؟
امام علیه السلام هم کاردی به او می دهد و او با آن کارد هفتاد مرتبه به گلوی پسر خود می کشد و اثری از بریدن ظاهر نمی شود.
می گوید: این هم نوعی از سحر و جادو است و معجزه نیست!
کارد را بر زمین می زند، ناگاه کارد از زمین برمی خیزد و گلویش را می برد.

هفتم: مردی از عرب از او معجزه جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می خواهد. آن حضرت شیری را صدا می زند و از او می خواهد که بر امامت او گواهی دهد. و آن شیر هم بر امامت او گواهی می دهد.

آن مرد می گوید: این سحر و جادو بود و معجزه نبود. در این

هنگام آن شیر بر آن مرد حمله می‌کند و آن مرد هم پا به فرار گذاشته فریاد می‌زند این است جزای آن کسی که امام زمان را منکر شود و پس از لحظاتی که شیر او را تعقیب می‌کند سر انجام او را گرفته، پاره پاره می‌کند. (۱)

۹- سر رسید مهلت شیطان در حکومت امام عصر (عج): در تفسیر البرهان جلد ۲ ص ۳۴۳ از وهب بن جمیع روایت شده که می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مهلت شیطان تا چه موقعی از زمان است که خداوند در جواب او که تا روز قیامت مهلت خواسته بود فرمود: تا روز معینی مهلت داری.

امام علیه السلام فرمود: ای وهب آیا گمان می‌کنی که معنی روز معین همان روز قیامت است؟ خیر منظور از روز معین روز ظهور حضرت مهدی (عج) است. پس روزی که مهدی ما ظهور کند در مسجد کوفه می‌نشیند و شیطان بر آن حضرت وارد می‌شود و دو زانو در برابر آن حضرت می‌نشیند و امام زمان (عج) هم موهای پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند، این است معنی روز و وقت معلوم.

۱۰- سن و سال اصحاب امام عصر (عج): در ملاحم ص ۱۴۵ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: اصحاب حضرت مهدی (عج) همه جوانند و بین ایشان سالمندی وجود ندارد. (یعنی سن و سال آنها زیر سی سال است).

۱۱- در زمان حکومت امام عصر (عج) خیر و برکت زیاد شود: در ملاحم ص ۸۳ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: در زمان امام عصر (عج) چندین نفر بر سر یک انار می‌نشینند و آن را میل می‌کنند (یعنی به طوری انار بزرگ و با برکت باشد که جمعی را سیر کند.) و در حدیث دیگری فرمود: یک قرصه نان هم جمعی را سیر می‌کند.

۱۲- امنیت و آسایش در حکومت حضرت مهدی (عج): در کتاب کشف الاستار به نقل از عقد الدرر از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: حضرت مهدی (عج) فرمانداران خود را به تمام مناطق جهان اعزام می‌کند و آنها را به عدل و انصاف بین مردم توصیه می‌کند و عدالت گسترده‌ای به گونه‌ای بین مردم رایج می‌شود که گرگ و میش با هم چرا می‌کنند و بچه‌ها با مار و عقرب بازی می‌کنند و آنها کوچکترین ضرری به بچه‌ها نمی‌رسانند و خیر جایگزین شرّ خواهد شد و مردم به عبادت روی خواهند آورد و گناه و زشتی‌ها را ترک خواهند کرد.

۱۳- نوآوری‌های امام عصر (عج) در زمان ظهور: در غیبت نعمانی ص ۲۵۵ از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: هرگاه امام زمان (عج) قیام کند راه و رفتارش جدید، کتابش جدید و دستوراتش جدید می‌باشد (یعنی امر دین در زمان غیبت او چنان کهنه و از بین رفته باشد، که هر چه او بیاورد خیال کنند چیز تازه‌ای آورده).

۱۴- احداث مسجدی بزرگ در کوفه: در غیبت طوسی ص ۲۸۰ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هنگامی که مهدی (عج) قیام کند، مسجدی در پشت کوفه بنا می‌کند که هزار درب دارد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل می‌گردد.

۱۵- داوری و قضاوت امام عصر (عج) مانند داوری و قضاوت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام باشد: در کافی جلد ۱ ص ۳۹۷ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هنگامی که مهدی ما قیام کند قضاوت و داوری اش مانند حضرت داوود و سلیمان است یعنی احتیاج به شاهد ندارد.

۱۶- عقل مردم قوی و محکم می‌شود: در کافی جلد ۱ ص ۲۵ از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) خداوند دست مرحمت بر سر بندگانش گذاشته، عقلشان کامل گردد.

۱۷- سیره و زندگی شخصی امام عصر (عج) همچون علی علیه السلام است: در کافی جلد ۶ ص ۴۴۴ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هنگامی که مهدی ما (عج) قیام کند، راه و روش زندگانی اش همچون زندگانی علی علیه السلام است تا جایی که لباسش نیز لباس آن حضرت می‌باشد. (یعنی ساده زیستی را انتخاب می‌کند).

۱۸- دولت و حکومت‌های باطل از بین خواهد رفت: در روضه کافی حدیث ۴۳۲ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ

زَهَقَ الْبَاطِلُ» فرمود: چون مهدی ما قیام کند دولت باطل از بین برود.

۱۹- کرامات و معجزات امام عصر (عج): در کتاب اثبات الهداة شیخ حر عاملی یک صد و هفتاد معجزه و در بحار جلد ۵۱ ص ۲۸۶ هفتاد معجزه از آن حضرت نقل شده و در کتاب مهدی موعود جلد اول ص ۲۸۶ از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: از کرامات مهدی ما آن است که اگر به پرنده‌ای اشاره کند بر روی دستش می‌افتد و چنانچه چوب خشکی را در زمین غرس کند سبز می‌شود.

۲۰- امتیازات امام زمان (عج) بر سایر ائمه: در اکمال الدین ص ۳۱۴ از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود: در امام زمان (عج) هفت سنت از هفت پیغمبر است: از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
اما از آدم و نوح عمر طولانی و از ابراهیم مخفی بودن ولادتش و کناره‌گیری از مردم و از موسی ترس و غائب شدن و از عیسی اختلاف مردم درباره او و از ایوب فرج بعد از بلا و از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام و خروج او با شمشیر است.
و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: سنتهایی که در زمان پیامبران گذشته بوده و غیبتهایی که داشته‌اند همه بدون کم و زیاد در مهدی ما اهل بیت جاری خواهد بود. (۱)

۱- اقتباس از کتاب یأتی علی الناس آیت الله دهرخی اصفهانی

بخش چهارم

رجعت عده‌ای به دنیا در زمان ظهور آن حضرت (عج)

شامل

• رجعت یا بازگشت در آیات قرآنی

• رجعت یا بازگشت در روایات

در حکومت امام عصر (عج) تنها مردم زنده نیستند که شاهد حکومت جهانی و عدالت گستر آن حضرت می‌باشند بلکه در آن عصر بنا بر نقل آیات و روایات عده‌ای که از این دنیا رخت بر بسته‌اند مجدداً به دنیا باز می‌گردند. تا اینکه به مجازات اعمال بد و خوب خود برسند. اکنون به گوشه‌هایی از آیات و روایات در این زمینه توجه فرمایید.

فصل اول

رجعت یا بازگشت در آیات قرآنی

۱- در حکومت جهانی امام عصر (عج) همه رفتگان برنمی‌گردند: در تفسیر آیه ۹۵ سوره انبیاء که می‌فرماید: «حَرَامٌ عَلٰی قَرْیَةٍ اَهْلَکُنَاہَا اَنْہُمْ لَا یَرْجِعُوْنَ» یعنی جمعیتی را که هلاک کردیم دیگر باز نخواهد گشت.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: منظور از این آیه بازگشت هلاک شدگان به زندگی مجدد دنیا است نه آخرت زیرا در قیامت آنها زنده می‌شوند و به حساب خود خواهند رسید. لیکن در حکومت جهانی امام عصر (عج) مؤمن خالص و کافر خالص که به عذاب الهی نمرده‌اند باز خواهند گشت.

و در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام از عماد بن عثمان درباره تفسیر آیه ۸۳ سوره نمل که می‌فرماید: «و یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا» یعنی روزی که از هر دسته‌ای جمعی را زنده می‌کنیم. پرسید مردم در تفسیر این آیه چه می‌گویند؟ جواب داد مردم می‌گویند این آیه درباره قیامت است. امام علیه السلام فرمود: چنین نیست و این آیه درباره رجعت است مگر خداوند در قیامت از هر دسته‌ای جمعی را زنده می‌کند و دیگران را وا می‌گذارد؟

آیه قیامت، آیه ۴۷ سوره کهف است که می‌فرماید: «وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» یعنی ما در قیامت همه را زنده می‌کنیم و احدی از آنها را رها نمی‌کنیم.^(۱)

۲- در حکومت امام عصر (عج) شهداء زنده می‌شوند: امام باقر علیه السلام از جابر درباره تفسیر آیه ۱۵۷ سوره آل عمران که می‌فرماید: «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» یعنی اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید رحمت و مغفرت بهتر است از آنچه جمع می‌کنید. پرسید معنی سبیل الله چیست؟ عرض کرد نمی‌دانم جز اینکه شما بفرمایید. امام علیه السلام فرمود: سبیل الله راه علی علیه السلام و اولاد او است و هر کس با ولایت علی علیه السلام بمیرد و یا کشته شود گویا در راه خدا مرده و یا کشته شده و هیچ مؤمنی از این امت نیست مگر اینکه برای او قتل و مرگی هست پس هر کدام از آنها که کشته شود یک بار دیگر بر می‌گردد تا بمیرد و هر کس که بمیرد بر می‌گردد تا کشته شود.^(۲)

و در حدیث دیگری زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم آیا کسی که کشته می‌شود مرده به حساب نمی‌آید؟ امام علیه السلام فرمود: نه مرگ مرگ است و قتل قتل. گفتم بالاخره کسی که کشته می‌شود، می‌میرد. امام علیه السلام فرمود: ای زراره! گفتار خدا حق است که مهربان

مرگ و قتل فرق گذاشته چنانچه (در سوره آل عمران آیه ۱۴۴) می فرماید: اگر بمیرد و یا کشته شود. و (در همین سوره آیه ۱۵۹) می فرماید: اگر بمیرید و یا کشته شوید به سوی خدا باز خواهید گشت.

زراه می گوید: عرض کردم خدای تبارک و تعالی (در سوره انبیاء آیه ۳۵) می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» هرکسی طعم مرگ را خواهد چشید. آیا کسی که کشته می شود طعم مرگ را نمی چشد؟

امام علیه السلام فرمود: کسی که با شمشیر کشته شده همانند کسی نیست که در بستر بمیرد. بنابراین اگر کشته شود ناگزیر باید برگردد تا طعم مرگ را بچشد.^(۱)

این بود بخشی از آیات قرآن کریم درباره رجعت یا بازگشت عده‌ای خاص در دوران حکومت جهانی امام عصر (عج). گرچه آیات رجعت بیش از اینها است و جناب آقای محمد خادمی شیرازی در کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی در حدود هفتاد آیه با تفسیر آورده که ما بطور اختصار به همین چند آیه بسنده کردیم و طالبین می توانند به کتاب مذکور مراجعه فرمایند.

فصل دوم

رجعت یا بازگشت در روایات

درباره رجعت یا بازگشت، روایات زیادی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده که مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب ارزشمند ایقاظ در حدود ۱۷۸ حدیث از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نقل کرده که توجه خوانندگان عزیز را به گوشه‌هایی از آن جلب می‌کنیم.

۱- رجعت یا بازگشت به این جهان همگانی نیست: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: رجعت یا بازگشت به این جهان (همگانی نیست، بلکه اختصاصی است، و تنها کسانی به این دنیا باز می‌گردند که مؤمن خالص و یا مشرک خالص باشند).^(۱) بنا بر این مؤمن خالص که در تمام عمر از طرف کفار و منافقین مورد اذیت و آزار قرار گرفته بر می‌گردد تا در پرتو حکومت حقه و عادلانه روی آرامش و آسایش ببیند و قسمتی از پاداش اعمال نیک خود را قبل از آخرت در این جهان مشاهده نماید و مشرک خالص نیز بر می‌گردد تا سزای حق‌کشی‌ها و تجاوز کاریهای خود را پیش از آخرت در این جهان بچشد.

۱- تفسیر برهان جلد ۲ ص ۴۰۸ و ایقاظ ۳۶۰

۲- رجعت یا بازگشت به این دنیا برای مؤمن اختیاری است: مفضل بن عمر می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از امام عصر (عج) و عاشقان ظهورش به میان آمد که پیش از ظهور از دنیا می روند و سعادت درک حضورش را نمی یابند.

امام علیه السلام فرمود: هنگامی که امام عصر (عج) قیام نماید، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند و به آنها می گویند: ای بنده خدا مولایت حضرت مهدی (عج) ظهور کرده است اگر می خواهی به او پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمتهای الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی. (۱)

۳- اول کسی که به دنیا باز می گردد امام حسین علیه السلام است: رفاعه بن موسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اول کسی که به دنیا باز می گردد امام حسین علیه السلام و یارانش و یزید و یارانش می باشند، آنگاه از قاتلین امام حسین علیه السلام بدون ذره ای کم یا زیاد انتقام گرفته می شود. (۲)

و در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به مفضل می فرماید: امام حسین علیه السلام همراه دوازده هزار یار راستین و ۷۲ تن از شهیدان کربلا ظاهر می شوند و در کوفه به حضرت مهدی (عج) ملحق می شوند. (۳)

۴- تمام پیامبران و امامان علیهم السلام در حکومت جهانی امام عصر (عج) به دنیا باز می‌گردند: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند همه پیامبران و امامان علیهم السلام را برای یاری امیر مؤمنان علیه السلام به دنیا باز می‌گردند و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دست آن حضرت داده می‌شود و امیر مؤمنان علیه السلام فرمانروایی می‌کند و همه مخلوقات زیر پرچم او قرار می‌گیرند. (۱)

۵- مدّت حکومت امام حسین علیه السلام در رجعت: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نخستین کسی که به دنیا باز می‌گردد امام حسین علیه السلام است که چهل هزار سال در روی زمین می‌ماند تا بر اثر کثرت سن ابرویش بر روی چشمهایش فرو می‌ریزد. (۲)

۶- مدّت حکومت امیر المؤمنین علیه السلام در رجعت: امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی می‌فرماید: امیر المؤمنین علی علیه السلام مدّت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند و برای هر یک از شیعیان هزار پسر به دنیا می‌آید. (۳)

۷- رجعت مکرر علی علیه السلام به دنیا: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: علی علیه السلام یک بار با امام حسین علیه السلام به دنیا باز می‌گردد و برای او از بنی‌امیه انتقام می‌گیرد و یک بار دیگر با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر می‌گردد و در روی زمین خلیفه می‌شود و امامان علیهم السلام و الیان او می‌گردند. (۴)

۱- نور الثقلین جلد ۱ ص ۳۵۹

۲- تفسیر برهان جلد ۲ ص ۴۰۸

۴- الزام الناصب جلد ۲ ص ۳۵۶

۳- ایقاظ ص ۳۶۲

و در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: برای من بازگشتی پس از بازگشتی است و جنبشها و انتقامها است و برای من حکومتهای عجیب و غریب است من جنبنده زمین و صاحب عصا و آهن داغ زننده هستم. ^(۱)

و در حدیث دیگری از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دابة الارض است و هیچ تیزپایی به او نمی رسد و فرار کننده ای از او فوت نمی شود و مؤمن را نشان مؤمن و کافر را نشان کافر می زند.

۸- کشته شدن شیطان لعین به دست پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

در تفسیر آیه ۷۹ سوره ص که می فرماید: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ *» یعنی شیطان از خداوند تقاضای مهلت کرد تا روز قیامت. خداوند در جواب او فرمود: به تو مهلت داده شد تا روز معلوم. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: روز وقت معلوم روزی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شیطان را بر روی سنگی در بیت المقدس سر می برد. ^(۲)

۹- مدت حکومت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در رجعت: در بحار

جلد ۵۳ ص ۱۰۴ درباره آیه ۴ سوره معارج که می فرماید: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» یعنی روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است.

۱- ایقاظ ص ۳۶۵ و بحار جلد ۵۳ ص ۴۷

۲- المیزان جلد ۱۲ ص ۱۸۴ و تفسیر صافی جلد ۳ ص ۱۱۳

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که منظور از روز پنجاه هزار سال چیست و چه روزی است؟ امام علیه السلام فرمود: روز پنجاه هزار سال، روزگار رجعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است که مدّت حکومت و فرمانروایی آن حضرت در رجعت پنجاه هزار سال است.

و نیز از مجموع روایات رجعت این چنین استفاده می شود که همه امامان معصوم علیهم السلام رجعت می کنند حتی امام زمان (عج) هم که پس از حکومتش به شهادت می رسد. مجدداً به دنیا باز می گردد و چهل روز دیگر زندگی می کند آنگاه قیامت بر پا می شود.

و خلاصه اینکه از برخی روایات این چنین استفاده می شود که حکومت آل محمد علیهم السلام در رجعت هشتاد هزار سال است. (۱)

۱- اقتباس از کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی؛ نوشته محمد خادمی شیرازی

در مدح و منقبت امام عصر (عج)

به مناسبت میلاد امام عصر (عج)

«از سروری»

مژده‌ای دل حجت پروردگار آمد پدید
از دبیرستان دین آموزگار آمد پدید
منجی خلق جهان با قدرت و علم خدای
آنکه دارد عالم او را انتظار آمد پدید
حجت بن العسگری آن وارث علم نبی
خاتم الاطهار آن شاه تاجدار آمد پدید
آنکه حُبش جنت و بغضش بود نار جحیم
فاش می‌گویم قسیم نور و نار آمد پدید
چهره بنمودی عیان خورشید عالمگیر دین
آنکه ز امرش لیل و نهار آمد پدید
تا که بردارد نقاب از چهره اهل ریا
از حجاب غیب صاحب اختیار آمد پدید
بهر استقلال دانشگاه علم مصطفی
با فضیلت اوستادی هوشیار آمد پدید
تا نماید دین حق را سر بلند و سر فراز
مسند دین مبین را شهریار آمد پدید

به مناسبت میلاد مسعود
امام منتظر حضرت حجت (عج)

«از جواد محدثی»

شادی کنید ای شیعیان چون ماه شعبان آمده
بر این زمین و آسمان مهر درخشان آمده
از دامن نرجس بدان، یک ماه تابان آمده
بر یاری درماندگان مهدی شتابان آمده
بانگ طرب از هر طرف از سوی سُکان آمده
وقت سرور و شادی ختم رسولان آمده
هر کس که بینم خرم است، تبریک می گوید ز جان
گویا که این قرص قمر شد جلوگر از آسمان
برخیز و جشنی کن بپا، چون ماه شعبان آمده
یار آمده یار آمده، مهدی دوران آمده
بانگ طرب از هر طرف از سوی سُکان آمده
وقت سرور و شادی ختم رسولان آمده
مهدی امام منتظر شد نیمه شب جلوگر
باب نکویش عسگری تا دید و آن قرص قمر
بگرفت او اندر بغل قنداقه نیکو پسر
بوسید روی ماه او، گفتا که جانان آمده
بانگ طرب از هر طرف از سوی سُکان آمده
وقت سرور و شادی ختم رسولان آمده

در مدح امام زمان

«از ذاکر»

ای ولی عصر و امام زمان
ای سبب خلقت کون و مکان
ای به ولای تو تولای ما
مهر تو آیینه دل‌های ما
تا تو ز ما روی نهان کرده‌ای
خون به دل پیر و جوان کرده‌ای
عالم ما عالم دیگر شده
آینه دهر مکدر شده
شرع نبی یکسره برباد رفت
دین ز کف بنده و آزاد رفت
خانه ایمان همه ویران بین
گبر و مسلمان همه یکسان بین
ای به تو امید همه خاکیان
بلکه امید همه افلاکیان
دیده خلقی همه در انتظار
کز پی این پرده شوی آشکار
محتجب از خلق جهان تا به کی
در پی این پرده نهان تا به کی
ما که نداریم به غیر از تو کس
ای شه خوبان تو به فریاد رس

خیز و بکش تیغ دو سر از نیام
ای شه منصور پی انتقام
خیز و جهان پاک ز نا پاک کن
روی زمین پاک ز خاشاک کن

در مدح امام عصر (عج)

«از فقیر»

امروز خانه دل نور و ضیاء ندارد
جانی که دوست نبود آنجا صفا ندارد
شهریست پر ز آشوب، کاشانه‌ای لگد کوب
آن دل که از تغافل شوق لقان ندارد
رندان به کشور دل هر جا گرفته منزل
و آن میر صدر محفل در خانه جا ندارد
شهباز پر شکسته افتاده زار و خسته
از دست ظلم جفدان یک دم رها ندارد
وان پیشوای مستان مرغ هزارستان
یک سو نشسته خاموش شور و نوا ندارد
یوسف که پیش حسنش خوبان بها ندارد
از کید و مکر اخوان قدر و بها ندارد
پیمانها نهادیم پیمان ز دست دادیم
در حیرتی فتادیم کان منتهی ندارد
ای شاه خوب رویان وی قبله نکویان
دریاب عاجزی را کو دست و پا ندارد
از ما خطا و لغزش از تست عفو و بخشش
سلطان به زیر دستان جز این روا ندارد

کی خواهد رسید

«از نسیم شمال»

یا رب آن شاهنشہ ابرار کی خواهد رسید
مسلمین را یاور و غمخوار کی خواهد رسید
دوستان را کی بشارت می رسد از مقدمش
مژده یوسف به این بازار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
ای خدا آن یوسف گم گشته اندر چاه کو
ناصر دین حامی شرع رسول الله کو
مسلمین بی صاحبند آن شاه والا چاه کو
بر سر ملک جهان سالار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
مهدی آل محمد حاکم ملک وجود
ناشر احکام قرآن آیت ربّ ودود
با ید و بیضاء قدرت واقف غیب و شهود
با لب شیرین شکر بار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
پشت سر افتاده فرمان خدای ذوالمنن
روز و شب در وحشت و دهشت جمیع مرد و زن
از بشارت ظہور او نوید جان به تن
می رسد اما به این بیمار کی خواهد رسید

یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
مرتفع گشته حجاب و غیرت و شرم و حیا
منتشر گشته دروغ و تهمت و بخل و ریا
از شرار ظلم شد پژمرده باغ انبیاء
باد نوروزی به این گلزار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
نیست زنهای مسلمین را دگر بر سر حجاب
گوئیا منسوخ گشته بین ما شرع و کتاب
گشته مردان و زنان یکباره نصرانی مآب
ملک دین ویرانه گشت معمار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید
دشمنان دین ما را آمده دوران به کام
بر علیه حکم قرآن مرد و زن کرده قیام
گشته تقلید نصارا عادت هر خاص و عام
شاه دین با تیغ آتشبار کی خواهد رسید
یادگار احمد مختار کی خواهد رسید

کی خواهد آمد

«از جواد مولوی»

بار الها رهبر اسلامیان کی خواهد آمد
جانشین خاتم پیغمبران کی خواهد آمد
دردمندان غمش را کشت داروی مهلک
دردمندان را طبیب جسم و جان کی خواهد آمد

در درمانِ درمان ندارد جسم عالم جان ندارد
این تن بی روح را روح روان کی خواهد آمد
غم فزون شد قلب خون شد صبر از دلها برون شد
شیعیان را غمگسار مهربان کی خواهد آمد
قلب اگر از کار ماند روح اندر تن نماند
آنکه هم روحست و هم قلب جهان کی خواهد آمد
موج طوفان بلای ظلم شد نزدیک، یا رب
ناخدای کشتی اسلامیان کی خواهد آمد
آتش نمرودیان سرتاسر عالم گرفته
آنکه سازد این جهان را گلستان کی خواهد آمد
رهزنان دین، به اسم خدمت از ما بُرده هستی
هستی عالم پناه شیعیان کی خواهد آمد
انتظار مصلحی دارد جهان لیکن نداند
مصلح کل رهنمای انس و جان کی خواهد آمد

جواب «کی خواهد آمد»

«از هاشمی خراسانی»

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
باغبانان سختی دی ماه سی روز است آخر
نو بهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد

بلبل شوریده دل را از خزان برگو ننالد
باغ و صحرا سبز و این صحرا گلستان خواهد آمد
بوی پیراهن رسید و زین بشارت گشت معلوم
یوسف گم گشته سوی پیر کنعان خواهد آمد
دردمندان مستمندان بی پناهان را بگویند
مصلح عالم پناه بی پناهان خواهد آمد
از خدا روز فرج را ای فلج کاران بخواهید
کاین جهان روزی کسی را تحت فرمان خواهد آمد
سخت آمد طول غیبت بر تو می دانم مخور غم
موقع افشاء این اسرار پنهان خواهد آمد
تلخی هجران شود شیرین به روز وصل جانان
صبح صادق از پی شام غریبان خواهد آمد
کاخهای ظلم ویران می شود بر فرق ظالم
مهدی موعود غمخوار ضعیفان خواهد آمد
این چراغ از صرصر بیداد خاموشی ندارد
آنکه عالم را نماید نور باران خواهد آمد
نیست شک از عمر دنیا اگر یک روز ماند
ذات مهدی حجت خلاق سبحان خواهد آمد
صبر کن یا فاطمه ای بانوی پهلو شکسته
مهدیات با شیشه دارو و درمان خواهد آمد
این قدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو
مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد

محسنا از ضربت مسمار گر مقتول گشتی
عنقریبا داد خواه بی گناهان خواهد آمد
اصغرا از ضربت زخم گلو خود را مسوزان
غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد

امروز و فردا خواهد آمد

«از رضایی»

داد خواه دادگر امروز و فردا خواهد آمد
عاقبت آن مرد روشنفکرینا خواهد آمد
آنکه از هم بگسلد زنجیرهای بردگی را
رهبر حریت و آزادی ما خواهد آمد
گر چه پامالیم از شم ستور زورمندان
دست نیرومند خلاق توانا خواهد آمد
ای ستمگر ناله‌ی مظلوم بشنو که روزی
دستگیر مردم افتاده از پا خواهد آمد
صبر کن مظلوم در چنگال خونین ستمگر
داد خواه و دادیار و داد فرما خواهد آمد
جان اگر دادی به زیر ظلم زورمندان
مهدی عیسی نفس از بهر احیاء خواهد آمد
گر اسیر پنجه‌ی قهر ستمکاری مخور غم
روز آزادی تو از چنگ اعداء خواهد آمد
بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر، صبری
روز رسوایی بی دینان رسوا خواهد آمد

داد مظلومان بگیرد از ستمکاران خود سر
آنکه بستاند ز دشمن داد زهرا خواهد آمد

رخ دلدار ندیدیم

«از فقیر»

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم
جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
بس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست
جانها به لب آمد رخ دلدار ندیدیم
ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر
آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم
شاهها به تولای تو در مهد غنودیم
بر یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
ای حجت حق پرده ز رخسار بر افکن
کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
ای دست خدا دست بر آور که ز دشمن
بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
شمشیر کجست راست کند قامت دین را
هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

شهریاری می‌رسد

«از مفتون»

ای دل بشارت می‌دهم خوش روزگاری می‌رسد
یا درد و غم طی می‌شود یا شهریاری می‌رسد
گر کارگردان جهان باشد خدای مهربان
این کشتی طوفان زده هم بر کناری می‌رسد
اندیشه از سرما مکن طی می‌شود دوران دی
شب را سحر باشد ز پی آخر بهاری می‌رسد
ای منتظر غمگین مشو قدری تحمل بیشتر
گردی به پا شد از افق گویا سواری می‌رسد
یار همایون منظرم آخر درآید از درم
امید خوش می‌پرورم زین نخل باری می‌رسد

تمنا کنم تو را

«از مؤید»

گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را
ای نور دیده جان و دل اهدا کنم تو را
این دیده در میان جمعی و من در تفکرم
کاندر کجا برآیم و پیدا کنم تو را
هر صبح جمعه ندبه کنان در دعای صبح
از کردگار خویش تمنا کنم تو را
یا بن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من
در عالم خیال، هویدا کنم تو را

گویند دشمنان که تو بنموده‌ای ظهور
زین افترای محض مُبراً کنم تو را

گنج پر بها

«از ناشناس»

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم
این گنج پر بهاست من ارزان نمی‌دهم
گر انتخاب جنت کویت به من دهند
کوی تو را به جنت و رضوان نمی‌دهم
نام تو را به نزد اجانب نمی‌برم
چون اسم اعظم است و به دونان نمی‌دهم
جان می‌دهم به وصل تو ای حجّت خدا
تا بر سرم قدم نهی جان نمی‌دهم
ای خاک پای تو مُهر نماز من
آن مُهر را به مُهر سلیمان نمی‌دهم
بر من غلامی تو بود تاج افتخار
این تاج را به افسر شاهان نمی‌دهم

بی تو جهان خرّم نمی‌گردد

«از موحدی»

شها تا چهره ننمایی جهان خرّم نمی‌گردد
اساس فتنه و غوغا کم از عالم نمی‌گردد

قلوب دوستدارانت ز درد هجر مجروح است
به جز وصل تو دارویی ورا مرهم نمی‌گردد
اگر ای شیر حقّ از بیشه غیبت به در آیی
در عالم خیل روبه، چیره بر ضیغم نمی‌گردد
اگر ای حامی حقّ، آیی و باطل فنا سازی
بدین سان حقّ و باطل در جهان توأم نمی‌گردد
الا ای مصلح کل، تا که از عالم نهان باشی
شرار فتنه و غوغا ز عالم، کم نمی‌گردد
اگر تیغ کجّت آید به عالم، پشت یارانت
ز بار هجر طعن دشمنانت خم نمی‌گردد
تو قطب محور عالم، تو قلب عالم امکان
چو نشانی به عالم نور، خاک آدم نمی‌گردد

پیش گفتار..... ۳

بخش اول: از ولادت تا امامت

فصل اول

شناسنامه آن حضرت

- ۵ شناسنامه آن حضرت
- ۵ آشنایی با پدر و مادر امام عصر (عج)
- ۶ شخصیت ظاهری و معنوی نرجس خاتون
- ۶ خواستگاری و مجلس عقد اولیه نرجس خاتون علیها السلام
- ۸ خواب عجیب نرجس خاتون علیها السلام
- ۹ پذیرفتن اسلام در خواب
- ۱۱ جنگ مسلمانان با رومیان
- ۱۴ چگونگی ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج)
- ۱۶ عقیقه و اطعام به جهت میلاد حضرت مهدی (عج)

فصل دوم

امام زمان (عج) و حکومت جهانی آن حضرت در قرآن

- ۱۷ منظور از ایمان به غیب اعتقاد به قیام حضرت مهدی
- ۱۷ مؤمن باید با امام زمان خود در ارتباط باشد
- ۱۸ سرانجام ائمه طاهرين پيشوايان مردم در سراسر جهان
- ۱۸ دين اسلام بر ساير ادیان غالب خواهد شد
- ۱۹ وجود امام معصوم در دنیا به منزله آب زندگانی است
- ۲۰ حکومت جهانی فقط در زمان حضرت مهدی (عج) ممکن است
- ۲۰ روز ظهور حضرت مهدی (عج) از ایام الله است
- ۲۱ حضرت مهدی (عج) احیاگر کره زمین خواهد بود
- ۲۱ در حکومت حضرت مهدی (عج) حق زنده و باطل از بین خواهد رفت
- ۲۲ در حکومت حضرت مهدی (عج) فتنه و فساد از بین خواهد رفت

فصل سوم

امامت حضرت مهدی (عج) از نگاه اهل بیت علیهم السلام

۲۳	امامت حضرت مهدی (عج) از نگاه علی <small>علیه السلام</small>
۲۳	امام عصر (عج) به روایت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>
۲۴	امام زمان (عج) از نگاه امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۵	امام زمان (عج) به روایت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۲۵	امام زمان (عج) از نگاه امام باقر <small>علیه السلام</small>
۲۵	امام زمان (عج) به روایت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۶	امام زمان (عج) از نگاه امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۲۷	امام زمان (عج) از نگاه امام هشتم <small>علیه السلام</small>
۲۷	امام زمان (عج) به روایت امام جواد <small>علیه السلام</small>
۲۷	امام زمان (عج) از نگاه امام هادی <small>علیه السلام</small>
۲۸	چرا به امام عصر (عج) قائم گفته می شود؟
۲۹	گفتن نام امام زمان (عج) کفر است
۲۹	امام زمان (عج) از نگاه امام عسکری <small>علیه السلام</small> : مرحوم

فصل چهارم

غیبت اختصاص به امام زمان (عج) ندارد

۳۰	غیبت ابراهیم پیغمبر <small>علیه السلام</small> از امت خود
۳۰	غیبت صالح پیغمبر <small>علیه السلام</small> از قوم خود
۳۰	غیبت حضرت یوسف <small>علیه السلام</small> از پدر و برادران
۳۰	غیبت حضرت موسی <small>علیه السلام</small> از قوم خود: امام صادق <small>علیه السلام</small>

فصل پنجم

۳۲	نام امام زمان (عج) در کتاب های ادیان و مذاهب جهان
----	-------	---

فصل ششم

نظر دانشمندان درباره حکومت واحد جهانی

۳۳	نظر برتراند راسل
۳۳	نظر پروفیسور ارتولد توین پی متفکر انگلیسی
۳۳	نظر پدوسکا مبلغ مذهب مسیحیت در آمریکا
۳۳	نظر خاخام و سیروئل دیوید رایس

فصل هفتم

عقیده علمای اهل سنت به وجود مقدس امام زمان (عج)

- نظر ابن ابی الحدید..... ۳۴
- نظر شیخ الاسلام حموینی ۳۴
- نظر محب الدین طبری..... ۳۴
- نظر ابن جوزی می گوید ۳۵
- نظر ابن صباغ مالکی..... ۳۵
- نظر شیخ سلیمان بلخی..... ۳۵

فصل هشتم

پاسخ سؤالات درباره حضرت مهدی (عج)

- چرا امام عصر(عج) دارای نامهای متعدد است؟..... ۳۶
- تعداد یاران حضرت مهدی(عج) چند نفر هستند؟..... ۳۷
- آیا در سراسر زمین هنوز این تعداد پیدا نمی شوند؟..... ۳۷
- آیا در انقلاب حضرت مهدی (عج) زنان هم نقشی دارند؟..... ۳۸
- آیا این تعداد یعنی ۳۱۳ نفر برای یک قیام جهانی اندک نمی باشند؟ . ۳۹
- کودک پنج ساله چگونه امام می شود؟..... ۳۹
- آیا یک انسان می تواند بیش از هزار سال عمر کند؟..... ۴۰
- غیبت طولانی چه فایده ای دارد؟..... ۴۰
- آیا ایستادگی در برابر ابرقدرتها ممکن است؟..... ۴۱
- مسئله رجعت چیست؟..... ۴۲
- مدت حکومت حضرت مهدی(عج) چقدر است؟..... ۴۴
- آیا قیام حضرت مهدی (عج) مسلحانه است؟..... ۴۴
- رحلت حضرت مهدی(عج) چگونه است؟..... ۴۵

بخش دوم: دوران غیبت صغری و کبری

فصل اول

دیدارکنندگان آن حضرت در عصر امام حسن عسگری علیه السلام

- دیدار احمد بن اسحاق از امام عصر(عج)..... ۴۷

دیدار/چهل نفر از شیعیان خاص با آن حضرت ۴۹
فصل دوم

ماجرای غیبت صغری و کبری

آغاز غیبت صغری و نایبان چهارگانه ۵۱
اعلامیه ختم دوران غیبت صغری و آغاز غیبت کبری: ۵۲
غیبت کبری و ولایت فقیه ۵۳
فصل سوم

کسانیکه در زمان غیبت کبری مورد عنایت آن حضرت

دیدار مرحوم مقدس اردبیلی با آن حضرت در مسجد کوفه ۵۴
تشریف علامه بحرالعلوم و مذاکره با آن حضرت ۵۵
اجازه گرفتن میرزای شیرازی از امام زمان (عج) ۵۸
برداشتن هوای ریاست از حضرت آیه الله سید محمد فشارکی رحمته الله .. ۵۹
شفای آیه الله محسنی ملایری در مسجد جمکران ۶۰
اعطای چهارصد عبای زمستانی ۶۰
برآورده شدن حاجت ملا محمود عراقی ۶۱
نجات مرحوم آقا نجفی اصفهانی از کشته شدن ۶۴
توسل به امام عصر (عج) ۶۴
فصل چهارم

مواعظ و ارشاد امام عصر (عج)

زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود ۶۵
نماز بینی شیطان را به خاک می‌مالد ۶۵
کسی که نماز صبح و مغرب را دیر بخواند ملعون است ۶۵
سجده شکر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را فراموش نکنید ۶۶
فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء علیه السلام ۶۶
منکرین امام زمان (عج) اهل جهنم خواهند بود ۶۷
خشنودی امام زمان (عج) در اطاعت و بندگی خدا است ۶۸
کیفیت درخواست حاجت از نگاه امام عصر (عج) ۶۸

- کسی که خمس مالش را ندهد ملعون است ۶۹
 از سؤالهای بیجا بپرهیزید ۶۹
 عنایت امام عصر (عج) به دوستانش ۶۹
 کسی که وقت ظهور را معین کند دروغگو است ۶۹

فصل پنجم

علائم آخر الزمان

- اهانت و بی احترامی نسبت به یکدیگر ۷۰
 اذیت و آزار بچه‌ها از مار بیشتر است ۷۰
 زنها به نداشتن فرزند شادمانند ۷۰
 برادران در خط هم نیستند ۷۱
 اختلاف و کشمکش و کثرت زمین لرزه ۷۱
 مرگ ناگهانی زیاد می‌شود ۷۱
 بازار سلام کساد می‌شود ۷۱
 مرض وبا دامنگیر مردم می‌شود ۷۱
 خون ریزی زیاد می‌شود ۷۲
 مردم بی رحم و سنگدل باشند ۷۲
 دین به دنیا فروخته می‌شود ۷۲
 سخن چینی و جاسوسی رواج یابد ۷۲
 حفظ دین از سخت‌ترین حالات است ۷۲
 منافق عزیز و مؤمن ذلیل باشد ۷۳
 بعضی از مردم، دین داران را نفهم و ساده لوح می‌پندارند ۷۵
 سرمایه داران از اذان گفتن عار دارند ۷۶
 در آخر الزمان دعا مستجاب نمی‌شود ۷۶
 عالم در میان مردم احترام ندارد ۷۶
 مردم بین خوب و بد فرق نمی‌گذارند ۷۷
 حرامها را حلال بدانند ۷۸
 دین داری سخت می‌شود ۷۹



۸۰ دنیا را بر دین مقدم می‌دارند
۸۰ در ساختمان سازی بر یکدیگر افتخار می‌کنند
۸۰ دین را به دنیا می‌فروشند
۸۱ زنها لباس بدن نما می‌پوشند
۸۱ روز به روز زندگی بدتر می‌شود
۸۲ عافیت و سعادت در کناره‌گیری و سکوت است
۸۲ پول حلال کم یاب می‌شود
۸۲ مردم در آخر الزمان آرزوی مرگ می‌کنند
۸۲ فقهاء دوره آخر الزمان مطابق میل خود فتوی می‌دهند
۸۲ باقی ماندن از قرآن در دوره آخر الزمان به جز اسم و رسم آن
۸۳ در آخر الزمان عمرها کوتاه می‌شود
۸۳ فحش دادن رواج پیدا می‌کند
۸۳ قاریان قرآن به قرآن عمل نمی‌کنند
۸۳ کشت و کشتار زیاد شود
۸۴ گناهان کبیره رائج می‌شود
۸۴ جنگ بین یهود و مسلمین به اوج خود می‌رسد
۸۴ مردم در آخر الزمان مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهند
۸۵ عراق در شرایط سختی قرار می‌گیرد
۸۵ زمستان گرم می‌شود
۸۵ در آخر الزمان زنها به منبر می‌روند

فصل ششم

۸۶ اموری که در آخر الزمان انجام می‌شود
----	---

بخش سوّم: علائم حتمیه ظهور امام عصر (عج)

فصل اوّل

خروج دجال

۹۳ آشنایی با دجال
۹۳ علائم خروج دجال

۹۳ پیروان دجال همه یهودی هستند

فصل دوم

خروج سفیانی

۹۵ آشنایی با سفیانی

۹۵ سفیانی کوفه را با خاک یکسان می‌کند

۹۶ سرانجام سفیانی به کیفر کردار خود خواهد رسید

فصل سوم

خروج یمانی

۹۷ یمانی یکی از یاران حقیقی حضرت مهدی (عج) است

۹۷ سفیانی و یمانی ضد یکدیگرند

فصل چهارم

خروج خراسانی

۹۸ تأکید امام باقر علیه السلام بر خروج خراسانی

۹۸ قیام و خروج خراسانی از چین به سوی عراق

فصل پنجم

۹۹ خروج سید حسنی

فصل ششم

کشته شدن نفس زکیه

۱۰۱ نفس زکیه به دستور حضرت مهدی (عج) قیام می‌کند

فصل هفتم

رفتار امام عصر (عج) با مردم در زمان ظهور

۱۰۲ اولاد قاتلین امام حسین علیه السلام را می‌کشد

۱۰۲ کسانی را که زکات نداده‌اند می‌کشد

۱۰۲ کفار را به اشد مجازات گرفتار می‌کند

۱۰۳ شیعه قوی و نیرومند می‌شود

۱۰۳ مناره‌ها و گنبدها و گلدسته‌ها را خراب می‌کند

۱۰۴ بنای مسجد الحرام را هم تغییر می‌دهد

سوره‌ها و آیات قرآن تغییر می‌کند..... ۱۰۴

معجزات انبیاء و پیامبران پیشین را ظاهر می‌سازد..... ۱۰۴

سر رسید مهلت شیطان در حکومت امام عصر (عج)..... ۱۰۷

سن و سال اصحاب امام عصر (عج)..... ۱۰۷

در زمان حکومت امام عصر (عج) خیر و برکت زیاد شود..... ۱۰۸

امنیت و آسایش در حکومت حضرت مهدی (عج)..... ۱۰۸

نوآوری‌های امام عصر (عج) در زمان ظهور..... ۱۰۸

احداث مسجدی بزرگ در کوفه..... ۱۰۹

قضاوت امام عصر (عج)..... ۱۰۹

عقل مردم قوی و محکم می‌شود..... ۱۰۹

سیره و زندگی شخصی امام عصر (عج)..... ۱۰۹

دولت و حکومت‌های باطل از بین خواهد رفت..... ۱۰۹

کرامات و معجزات امام عصر (عج)..... ۱۱۰

امتیازات امام زمان (عج) بر سایر ائمه..... ۱۱۰

بخش چهارم: رجعت یا بازگشت عده‌ای به دنیا

فصل اول

رجعت یا بازگشت در آیات قرآنی

در حکومت جهانی امام عصر (عج) همه رفتگان برنمی‌گردند..... ۱۱۳

در حکومت امام عصر (عج) شهداء زنده می‌شوند..... ۱۱۴

فصل دوم

رجعت یا بازگشت در روایات

رجعت یا بازگشت به این جهان همگانی نیست..... ۱۱۶

رجعت یا بازگشت به این دنیا برای مؤمن اختیاری است..... ۱۱۷

اول کسی که به دنیا باز می‌گردد امام حسین علیه السلام است..... ۱۱۷

بازگشت تمام پیامبران و امامان علیهم السلام..... ۱۱۸

مدت حکومت امام حسین علیه السلام در رجعت..... ۱۱۸

مدت حکومت امیر المؤمنین علیه السلام در رجعت..... ۱۱۸

- ۱۱۸ رجعت مكرر على عليه السلام به دنيا
- ۱۱۹ كشته شدن شيطان لعين به دست پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۱۹ مدت حكومت پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله و سلم در رجعت
- اشعاري در مدح و منقبت امام عصر (عج)
- ۱۲۱ به مناسبت ميلاد امام عصر (عج)
- ۱۲۲ به مناسبت ميلاد مسعود امام عصر (عج)
- ۱۲۲ امام منتظر حضرت حجت (عج)
- ۱۲۳ در مدح امام زمان
- ۱۲۴ در مدح امام عصر (عج)
- ۱۲۵ كي خواهد رسيد
- ۱۲۶ كي خواهد آمد
- ۱۲۷ جواب «كي خواهد آمد»
- ۱۲۹ امروز و فردا خواهد آمد
- ۱۳۰ رخ دلدار نديديم
- ۱۳۱ شهرياري مي رسد
- ۱۳۱ تمنا كنم تو را
- ۱۳۲ گنج پر بها
- ۱۳۲ بي تو جهان خرم نمي گردد



منايع و ماخذ

- | | |
|---------------------|-----------------------|
| ١٨- دار السلام | ١- غيبت نعماني |
| ١٩- عبقري الحسان | ٢- ملاحم و الفتن |
| ٢٠- عنايات امام عصر | ٣- كنز العمال |
| ٢١- اكمال الدين | ٤- الزام الناصب |
| ٢٢- تذكرة الائمة | ٥- روضه كافي |
| ٢٣- قرب الاسناد | ٦- بحار الانوار |
| ٢٤- غيبت طوسي | ٧- تهذيب |
| ٢٥- اثبات الهدى | ٨- جامع الاخبار |
| ٢٦- مهدي موعود | ٩- حديقه الشيعة |
| ٢٧- النجم الثاقب | ١٠- اثني عشريه |
| ٢٨- وسائل الشيعة | ١١- سفينة البحار |
| ٢٩- احتجاج طبرسي | ١٢- اربعين شيخ بهايي |
| ٣٠- بصائر الدرجات | ١٣- تحف العقول |
| ٣١- مصباح كفعمي | ١٤- مستدرک حاكم |
| ٣٢- يأتي على الناس | ١٥- ارشاد مفيد |
| ٣٣- رجعت دولت كريمه | ١٦- البرهان |
| | ١٧- سيره چهارده معصوم |

□ کتابهای چاپ شده

- ۱- خلاصه‌ای از زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
- ۲- سیمای منافقین در قرآن و نهج البلاغه
- ۳- مناظرات در قرآن و عترت
- ۴- ترجمه تسهیل المسالك
- ۵- احکام اموات مطابق با فتوای آیت الله گلپایگانی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
- ۶- حقوق و عقوق والدین
- ۷- فوائد رجیبه
- ۸- آینه عبرت
- ۹- تأثیر شیر و غذا در جسم و جان انسان
- ۱۰- گل‌های معطر (در مدایح و مراثی چهارده معصوم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
- ۱۱- بلاهای کربلا از مدینه تا مدینه
- ۱۲- مناسبات مذهبی
- ۱۳- فهرست مختصر بحار (تطبیق چاپ قدیم و جدید)
- ۱۴- راز و نیاز در ماه مبارک رمضان
- ۱۵- اسرار و عجائب خلقت
- ۱۶- راهنمای مشکلات
- ۱۷- دعوات زفره‌ای
- ۱۸- کشکول زفره‌ای
- ۱۹- خزائن زفره‌ای
- ۲۰- آرزوی جبرئیل
- ۲۱- قصه عجیب استعمار
- ۲۲- آشنایی با قبله هفتم امام هشتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
- ۲۳- آشنایی با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام
- ۲۴- آشنایی و انس با قرآن
- ۲۵- آشنایی با امام زمان (کتاب حاضر)

□ کتابهای در دست چاپ

- ۱- هفت اقلیم (یا غزلیات همگون)
- ۲- برداشتهایی از دعا
- ۳- تلخیص ۱۵ جلد بحار
- ۴- حقوق بشر یا خدمت به خلق در اسلام
- ۵- هنر هنرمندان (گزیده اشعار شعرای قدیم و جدید)